

کشف حقیقت امر بوسیله ریاست محترم مجلس در موقع تحقیق از حکومت فعلی بنادر بوسیله تلگراف و از آقایان مسعود السلطان حاکم سابق بنادر و حاجی معین التجار بشهری و محمد باقر خان تنگستانی که از مظلومین محل و در تهران حاضرند بوسیله مکتوب تحقیق شد حکومت فعلی بنادر تلگراف میکند که چون در بوشهر سیل احوالی است که بتوان سن آقا محمود را معلوم کند و بلاواسطه انجمن نظام را که از معتمدین محل هستند سن او را کافی ندانند تا تصدیق انجمن مناط اعتبار خواهد بود مسعود السلطان حاکم سابق بنادر نیز مینویسد که در موقع انتخابات من از کسان آقا محمود تحقیق کردم سن او را کافی نمیدانستند و انجمن نظام بعد از تحقیق سن او را بیست و چهار سال تشخیص دادند محمد باقر خان تنگستانی هم سن او را تصدیقاً از بیست و چهار سال تجار تصدیق نکردند و حاج معین التجار اظهار بی اطلاعی کرده بود علیهذا شعبه بعد از رسیدن این تلگراف و مکتوبات چون برای حل قضیه شده آقا محمود را دیگر تصور نمی کردند و در مدت قانونی هم شکایتی از ازمالی محل از آقا شیخ عبدالکریم رسید بود نمایندگی آقا شیخ عبدالکریم اخذ رأی بود که گردیده پس از سه مرتبه تجدید از یازده نفر حاضرین رأی دهندگان پنج درجه رأی قبول و چهار ورده رد که دو دور در امتناع داده شد چون نمایندگی آقا شیخ عبدالکریم حائز اکثریت رأی نسبی بود شعبه قضاوت حکایت آنرا موقوف برای مجلس مقدس شورای ملی مینماید .

رئیس — نسبت باین راپورت مخالفی هست؟
 سلیمان میرزا — بشده اولاً مخالف و بعد هم با
 ورت

رئیس۔ آفای سردار معظم

(اجازہ)

سر دار معظم — بنده دوماً مخالفتم و بندهم
بالین راپورت
رئیس — آقا سید یعقوب هم مخالفند ؟
آقا سید یعقوب — خیر بنده موافقم هم با او
و هم با زیارت
رئیس — این مسئله هم از کون با جلسه دیگر
میشود .

قانون بودجه مطرح است . شوردر کلیات است
آقای شیخ الاسلام نماینده اصفهان

(اجازہ)

شیخ الاسلام - چند روز قبل بنده رفتم در
کمیسیون بودجه دیدم صورت عظیم الجثه بدووار الصاق
شده نزدیک رفتم بالای آن صورت نوشته بود صورت کلی
عایدات و وصولیه درسته بجای ثبیل در خانه آن مالیات های
قدیم ثبت شده بود که باستانهای يك فقره از آن باقی دیگر
مهم نبود بنده قدری تأمل در آن صورت کردم دیدم
صورت بیمعنی است واقعا از برای عزت طبع خوب
است. حدس مردم که شاید اینصورت را برای دو
مطلب باین دیوار الصاق کرده اند یکی اینکه آقا بان
نمایند گمانی که از اولیات تشریف آورده اند باشصورت
رجوع بفرمائید و ببینید در اولیات از این ملت فقیر و

بدبخت چه بولها گرفته میشود و چندتر از آن هاید دولت میشود که بران نسبت واقعا نصف یا نلت و شاید خمس از آن عایدات بخرانه دولت وارد نمیشود که باسم مالیات ازدهایای بدبخت و مردم فقیر می گیرند مطلب دیگر اینست که تصور می کردم که شاید این صورت را الحاق کرده اند که آقایان نمایندگان ملاحظه فرمایند که این قالیهای قدیم که در هر جا بچه ها از آن مسبوک هستند حالش به چه روز کشیده است . حالا مالیاتهای که میزانش معلوم نیست که چه میگیرند وجه میکنند وجه معلومی میرسد باند . بعد از دوروز دیگر که روز پنجشنبه باشد دیدم خلاصه آن صورت را طبع و توزیع کردند پس از آن آقای مغیر راپورت کیسیون بودجه را قرائت فرمودند که تقریباً این صورت در کیسیون پذیرفته شده بواسطه اینکه سئو بسد : (پس از آن صورتی از عایدات و وصولی سته شانیة سیچی بل ۱۲۹۹ از وزارت مالیه خواسته شد که آن صورت عیناً ضمیمه این راپورت میشود) بالا تر از اینها دیدم آقای مغیر بایک حال تفریضی از آقای وزیر مالیه درخواست نموده که از برای دو کرو را بقی مانند یک فکری بکنند بنده باندازه این امنیت و کالت خودم بسیار متأسف شدم که چرا باید از وزارت مالیه یک چنین صورت مخلوط و متشوش بکیم . یون بودجه ارسال شود و چرا باید اعضاء کیسیون بودجه این صورت را بخوانند و طبع کنند و مصدر تنظیم بودجه مملکت قرار دهند که از مجلس پروژهاجات معلی برود

این مالیاتهای گزاف را دادماند رجوع باین صورت
نکنند و بگویند اینهم مجلس . اینهم قانون . اینهم
حساب که مالیاتهم پول بدیم و این اندازه از آن عاید
دولت بشود و و کلاه هم بدون بازرسی چنین صورتی
را پذیرفته و عملی فرار بدهند . در هر حال عقیده و
تصمیمات سیاسی آزاد است بنده باندازه خودم وجدانا
خودم را مسئول می دانم که در محضر آقایان نمایندگان
سایرین معنی اطلاعات خود را عرض کنم و قبلا دو
بیکته را تذکر می دهم اولاً آنکه آقایان تصور
نفرمایند که بنده سست هستم که ملوئنها و کرورها
را را کرده ام و به پنج هزار و ده هزار و پنجاه هزار و
صد هزار سپیدم . خیر اشاء الله که سست هست نیستیم
ملوئنها و کرورها را هم در موقع خودش که عرض
میکنم ولی از قدیم گفته اند که مشت نوبه خروار
ست همین کم که ما را که جمع کردید خیلی می شود
ویست هزار تومان از اصفهان و چهارصد هزار تومان
جای دیگر بمطوور سایر جاها وقتی روی هم گذارده
می شود پانزده کروری بیست کرورمیشود پس از این
عرض میکنم مالیات قدیم اصفهان بر حسب صورت جزء
سید و بیست و هفت هزار تومان است یک فروعاتی هم
در مظل السلطان اضافه کرده بود که بعد از مرگ
مردم دادند آن فروعات هم گرفته میشود آنها هم قدر
تیش سی هزار تومان میشد که جمعشان سید و پنجاه
هفت هزار تومان میشود در این صورت نوشته است
سولی مالیات نقدی اصفهان دویست و چهل و نه هزار
و پانصد و بیست تومان و اصناف را که از قدیم جزء

اصل مالیات بوده است نوشته است ده هزار هفتصد و بیست و پنج تومان که جمعشان میشود دویست و شصت هزار دویست و چهل و پنج تومان باقی ماند بشود و پنجاه هزار هفتصد و پنجاه و پنج تومان این مبلغ که است نزد مردم است حساب و کلاسه باز برای نمونه عرض میکنم که یک میرزا علی اکبرخان نامی بوده که در کارخانه رستم چند سال قبل استخدام بوده بامای پنج تومان بعد مریض شد و از آن اداره او را خارج کردند نفهمیدم چه شد که خودش را باراده مالیات انداخت در وسط سال بیجربیل که کاغذی پیشکار مالیات اصفهان شده و باصفهان آمدن از دم بسیار صعبی شنیدم که از بیات سه بلوک از بلوکات هفده گانه اصفهان که در دست او بوده است شصت و یک هزار تومان پول دولترا گرفته و بر مردم قبض شخصی داده است و یک قران آنرا بحساب دولت نگذارد است اضافه بر اینکه حساب بیجربیل او هم همین قسم است این یک نمونه یکی دیگر که سال قوی بیل اردستان که یکی از بلوکات اصفهان است دو امین مالی پیدا کرد در هر شش ماه یک نفر واریاض مالیات اردستان ده هزار تومان آن در واقع لا بلا شد این دو نفر هر کدام شش ماه در این مالیات بودند و هر کدام هم این ده هزار تومان را بحساب دولت منظور داشتند یک نفر پیدا نشد که این دو نفر را یکساعت روی صندلی بنشانند و بگویند این ده هزار تومان را که میدانیم و میداند با آنها کرده بودید شما داده اید یا آن آقا .

مگر همین مبلغ از مردم گرفته میشود و اخیر خیلی
بمادتر، باز برای نمونه عرض میکنم که منازعی از
دهات اردستان است نایب حسین کاشی و پسرش مادرالله
رفتند آنجا بعدی غارتگری نمودند که دیگر احدی
راقی نماد بمعاذ آنکه آنها از میان رفتند دو باره
چندین خانواد را در آنجا جمع شدند الان چهل روز است
که در تلکرافخانه اردستان متحصن شده متصل تلکراف
نمکنند کافه میخورند که ما در عرض مقصود شش
رومان مالیات تا بحال هزار تومان دادیم و ما مؤمر ماله
را را را نمیکنند هر قدر هم سؤال و جواب می کنیم
میبند فایده نیست تا آنکه آقای آقامیرزا حبیب الله
ان علی آبادی بعد از مدتی سؤال و جواب در دوره
لایین تعبیه را بنده مرقوم فرموده اند، در جواب
و رفقره عرض حال تلکراف رهایان قریه مزار اردستان
و موضوع اضافه مالیاتی که از آنها مطالبه شده است
سه روز قبل از طرف وزارت جلیله ماله شرحی
رضا حضرت مطلب عالی بر ما نوشته شد (که هیچ
چیز چیز نشده است) و مجدداً برای استحضار
اسطرار عالی تصدیق میدهد که مطالبه اضافه منحصراً
هایای مزبور هست یعنی یک مبلغ تفاوت عملی که
جزء جمع علاوه شده است در دهه السنه بماداره
یه اصفهان امر شده که بر کمال دهات اردستان
نور تومان شمار تقسیم و از مالکین
الاک دریافت نمایند بنده نوی دانم وضع این مالیات
ی بوده است اضافه چقدر است؟ و این بیچاره ها چه
نند و شکایت هم هیچ فایده ندارد اگر مردم بیچاره
روحانی یا غیر روحانی بنا به برد تمام متفق می

دوره چهارم

شوند که ریشه آنها را بآب بدهند که شکایت از ما می کنند اگر باداره مالیه هم شکایت کنند بعد از زحمتها کافه ها تلگراف ها جواب می دهند اداره این طور گفته

فلان رومی درمثنوی می گوید سیاهی بچه را به بغل گرفته بود بچه فریاد میزد سیاه باو میگفت تنرس تنرس تا بکنفر باورسید گفت سیاه بچه از خود تو میترسد بچه واره کن تا نترسد حالا این مردم بچاره از خود اداره شکایت می کنند جواب اداره این است که اداره اینطور گفته است اخیراً ادارات متبویه برای این است که رسیدگی باعمال ادارات تابعه می کنند و برستاری از مردم بکنند آمدیم سر جنس جنس اصفهان هشت هزار خروار بود دوهزار خروار آنرا آقایان عزیزان از همین چند سال از بین بردند که آتیم تفاسیلی دارد

الباقی شش هزار خروار این شش هزار خروار هم چند سال است اسباب گفتگو شده بوده در سال مجامعه همه می دانید در تمام ایران تقریباً گرابرویده نشده بنده در آن سال تنگن ارزاق اصفهان بودم یا تمام عملیاتی که کردم ۲۵۰۰ خروار جنس از بابت شش هزار خروار از مردم گرفتیم که توسط خود بنده بهیارها داده شد که اگر خرواری پانزده تومان هم حساب میکنند سی هفت هزار و پانصد تومان میشود از این صورت عایدی هشت هزار خروار غله دیوانی را نوشته است که ۱۳۲۸ تومان عجب تر اینکه وصولی چهل سال قبل را نوشته است پنجهزار و شصت و شصت تومان فرع زائد بر اصل وصولی این سال بابت بقایای سال گذشته پنجهزار و شصت تومان اصل تمام عایدات این سال دوهزار و سیصد تومان خیلی عجیب است آمدیم بر سر خانواری در این صورت ۶۷۰ تومان باسم خانواری اصفهان نوشته اند ولی در ضمن یک مطلبی دارد که از این صورت مکشوف نمی شود و اطلاعات خارجی می خواهد و آن این است که ۳۰۰۰ تومان از ۹۷۰ تومان خرج وصول این مبلغ شده است که پای دولت محسوب میشود و فقط عایدی خانواری اصفهان مطابق این صورت در آن سال که هزار و هفتاد و پنج تومان است - اصفهان دارای سه فوج است که عبارتند از فوج جلایی - فوج چهارمعال - فوج فریدین - اولاً خاطر آقایان را متذکر میبدم که این فوج باسم چهارمعال است (نه اینکه تمام آن در چهارمعال باشند بلکه یک مقدار کمی از این فوج در چهارمعال است) چهارمعال که در جنوب اصفهان واقع است یک سهم میدهد - اروستان که در شمال شرقی اصفهان واقع است آنهم یک سهم میدهد - خانواری فوج جلایی غیر از قلق و خرج و سایر مطالب شانزده هزار تومان است می گویند اضافه هم می گیرند خرج و قلق هم می گیرند خانواری فوج چهارمعال نقد سه هزار و شصت و هشتاد تومان جنسی هفتصد و شصت و هشت خروار خانواری خرج فریدین نقد دوهزار و شصت و پنجاه و شش تومان جنس هفتصد و هشتاد خروار کل نقد بیست و دو هزار و سیصد و سی و شش تومان و کل جنس هزار و شصت

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

وچهل و هشت خروار این نقد و جنس است که هر ساله می گیرند و اگر خرواروی پانزده تومان حساب کنیم بیست و چهار هزار و هفتصد و بیست تومان میشود که چهل و هفت هزار و پنجاه و شش تومان میشود يك میرزا رضاخان نامی در اصفهان است که از سابق رئیس وچها بوده است يك مدتی قبل به بنده گفت فلانی پنجاه و نه هزار تومان اسمال بابت ایس افواج در محل عمل شده و از شصت هزار تومان شاید چیزی کمتر عایدی موجود این سفوج باشد نزدیک حرکت بنده آقای سردار معتمد حکمران تشریف آوردند آنجا و مذاکره فرمودند که فلانی این پول افواج نقد و موجود است تو میروی طهران میتوانی عمل اسمال فوج را سی هزار تومان برای من تمام کن من هم حواله از صراف می گیرم و می فرستم و نوشته هم میدهم که یکشاهی و یک دینار اضافه نکیرم حالا يك چنین پولی را در آنصورت پنجاه هزار و نهصد تومان نوشته اند سه هزار تومان هم به ای آن خرج نوشته اند اما ذابیح اصفهان بنده اطلاع صحیح دارم که ذابیح شهر اصفهان و جزا لویه در سال ییچی ثیل پنجاه هزار تومان بوده است و در این صورت عایدی کلیه ذابیح را پنجاه و دو هیجده تومان نوشته است در صورتی که معلوم نیست که عایدات ذابیح ایرنو فتنه سده - حمید آباد کجا و کجا شده که همه اینها هیجده تومان در این صورت منظور شده و دیگر اینکه در این صورت نوشته است سر کله بنده که نفهمیدم شاید گله داری باشد خیلی تعجب است در سال ییچی ثیل از مردم بابت گله داری خیلی پول گرفتند میرزا نصرت الله خان امین مالیه نجف آباد بوده شش هزار تومان قبوضات این یک نفر امین مالیه را که بابت گله داری گرفته بود در اداره مالیه اصفهان موجود داشت علاوه بر دو هزار و چهار هزار تومان دیگر و تعجب از این است که در اصفهان می گفتند ما شنیده ایم از بابت این شش هزار تومان نجف آباد هزار و ششصد تومان بدولت میدهند - هر حال اگر سر کله گله داری باشد بنده که ندیده ام کسی یکشاهی بدولت داده باشد آمدیم پرسر درخواست فلانی معبر . . .

سر دار معظم (مختبر کیمسیون بودجه) - بنده
 درخواستی نکردم .

شیخ الاسلام - بنده این سه فقره مالیات را که عرض کردم (کلو باقی مالیاتها هم ندادم) هدیه فقره را بنده از جانب اهالی اصفهان به دوستان وزارت تومانی قبول می کنم و وزارت مالیه صورت جزوه این سه فقره را بیست و پنهان و دوستان تومانی دریافت دارند تا معلوم بشود که نزد اهالی اصفهان بنده یا آنکه با آنجا هائی که باید برود رفته است و الا ما معطل بکنند از آنجا هستیم .

دیگر اینکه آقای وزیر مالیه در این لایحه
و نشان که راجع به ممیزی مرقوم فرموده اند در آن
تذکر داده اند که ما صورت نداریم اگر صورت
اشته باشند خیلی بد است و تقریباً گویا هم همینطور
دیگر وزیر مالیه دوسو تنیکه صورت احکامی را که

۲۵۳ صفحه

پنجماه قبل داده است ندانند صورت چندین میلیون یا چندین کرویر مالیات را از کجا دارد و این کافیتی است که از پرسنل وزارت مالیه پنبده نوشته شد (بطوریکه مرقوم فرموده اید از قرار معلوم مرحوم عبادالاوله بدون انتظار تصویب مرکز آنها را که صوفز هستند و شاید هنوز هم بالای سندنهانشته باشند) داخل خدمت نموده است بنابراین رئیس مالیه تلگراف شد که درصحت ...

این دلیل این است که ریاست وزارت مالیه نمیدانند که در پنجاه قبل احکام از برای این دو نفر سرشماره شده است باینکه سرخود رفته‌اند و اداره نشسته‌اند و در این صورت خیلی مورد تعجب است این وزارت مالیه صورت جزم داشته باشد ولی تصور می‌کنم در مرکز اشخاص باشد که صورت جزم مالیات ایران را داشته باشند باینکه اگر هم نباشد از ولایات می‌شود خواست آلا ن یک به میزای اصفهانی در طهران حاضر است میگوید من بقاصله بیست روز صورت جزم مالیات هفده ایالت ولایت ایران را در مرکز حاضر میکنم ؛ بدون صورت که نمیشود عمل کرد میزای هم باین متقذین و اغشاش دوا یر مالیه بآس مردم که هر چه میدهند نمیدانند کجا میرود و چگونه عملی میشود در خاتمه دولت مطالب را عرض میکنم یکی اینکه چون حالا یک چیزهایی ببنده بسته نمیشود و عرض میکنم بنده با آقای وزیر مالیه ضدیت و طریت ندارم بلکه از نمره اول منتقدین بایشان بدهم ولی شاید بعضی ترتیبات را بنده صحیح ندانم مثلا اشخاص را که از کار خارج می‌کنند باینکه داس قضا یت را گذارده‌اند و همه را یکسان کرده‌اند این شاید بنظر بنده صحیح نباشد دیگر اینکه بنده مخالف با تنظیم و تصحیح بودجه مملکتی نیستم منتهی آدوژی و ایرانی این است که این ماده حیاتی و معانی مملکتی صحیح باشد ولی این را برونه که از کسب و بودجه رسیده بنده دخل و خرجش را صحیح ندانم و همچنین آنرا عملی ندانم عرض کردم عقاید آزاد است یک چیز دیگری هم می‌خواهم عرض کنم که راجع بمعارف است سی کرو و نفوس ایران است وقتی از برای هر هزار نفر یک مدرسه تأسیس شود پانزده هزار مدرسه خواهیم داشت و از فراز تحقیق میگویند در تمام ایران دویست مدرسه موجود است ما با دویست مدرسه آنهم باین ترتیب بودجه می‌خواهیم ترقی کنیم و بسا یرین رسم و عرض میکنم در بودجه معارف خیلی کم احتیاطی شده است و اگر عرض بنده قابل قبول باشد خوب است آقایان اعضاء کبسیون بودجه یک تحقیق عملی در این کار حیاتی و معانی مملکت بفرمایند

گویا بعد از نطق مفصل آقای شیخ
اسلام آقایان مخالف نباشند چند دقیقه تنفس
داد *

(دوایم موقع آقایان نمایندگان برای تنفس از
مجلس خارج و پس از نیمساعت مجلس
مجدداً تشکیل گردید)

رئیس- آقای شیخ الاسلام گویا توضیحی داشته؟
شیخ الاسلام- گویا از مریض من یک قدری
تطامع شده است بنده عرض کردم در سال پیش

قبل اواسط سال که کاظمی مأمور مالیه اصفهان شدند و آمدند حساب میرزا علی اکبرخان شصت و یک هزار تومان بوده و حساب بیچی نیز را هم نداده بودیم مقصود بکاظمی نبوده فقط بنده منظوم ورود ایشان بود

مقارنه اش باین ترتیب شد

رقیسی - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه نطق)

سر دار معظم - مخالف هستی؟

شیخ اسدالله - (با اشاره خیر) بنده چون در کمیسیون بودم و راجع باین پیشنهاد که شده کاملاً نظر داشتم این است که باین پیشنهاد کمیسیون موافقت دارم و لازم است نظریات خود را بر عرض آقایان برسانم البته آقایان تصدیق میفرمایند این قسمی که مجلس شورای ملی برای اصلاح و تعدیل بودجه بنا موافقت دولت برداشته اگر انشاءالله موفق شود یک قدم بزرگی در راه اصلاح برداشته است زیرا غالباً معایب و مشکلات در تحت این عنوان است (نمیگویم) تمامش عرض کردم غالباً) تا مملکت ایران بودجه خودش را تعدیل نکند تا مجلس شورای ملی تصدیق نکند که استقراض و دست دراز کردن پیش اجانب که همیشه مبتلا بوده ننکند هیچوقت نمیتواند امیدوار بسایر اصلاحات باشد یعنی این سه مانع تمام اصلاحات است و اگر هر آینه دولتهای گذشته باین خیال بودند و در مقام تعدیل بودجه برآمده بودند (و شاید هم توانستند و مسامحه کرده باشند) امروز ما باین تعطیلی که مملکت مدارس کرده اند مبتلا می شدیم و حقوق آنها چندین ماه عقب نمی افتاد این برای ملت و مملکت ایران یک بدبختی بزرگی هست که مدارس آن برای ترسیدن حقوق مملکت تعطیل شود بنده دو کمیسیون بودجه بودم در این مدت در اطراف بودجه فعلی فکر میکردم و باندازه وسع خودم برای پیدا کردن اطلاعات خیلی زحمت میکشیدم پس از اینکه از صورت جمع و خرجی که وزارت مالیه داده بود فوری اطلاع پیدا نمودم یقین کردم که اگر که دولتهای گذشته چند روز یا چند ماه هم خودشان را صرف تعدیل بودجه میکردند باین مقصود موفق میشدند فقط در زمان کابینه آقای مشیرالدوله شروع باین اقدام شد صورت جمع عایدات را از وزارت مالیه مطالبه کرده و خواستند بودجه را تهیه و تعدیل نمایند ولی چون مدت کابینه ایشان دوام نکرد موفق باین مقصود نگردیدند کابینه های گذشته نیز از بودجه های خرج ابداً نظر بی جمع نداشته فقط بودجه ها را بر حسب میل خودشان تصویب میکردند که لایق طرح برای خرج اضافه موجب و خرج فوق العاده تصویب نامه صادر می کردند بدون اینکه ملاحظه کنند به بیننده چشمان چه چیز است که در حدود آن بودجه بنویسند بهر حال یا تقواسته اند مراجعه کنند یا نتوانستند آنقدر تنقید نمیکند شاید نتوانستند چون اگر بگویم تقواسته مورد ایراد خواهند شد البته میخواستند متکفل یک چنین امر بزرگی بشوند از اینهم بگذریم این است که کمیسیون بودجه فکر کرد دید اگر بخواهد در جزء جزء افلام بودجه ها وارد نشود شاید یکی دو سال طول بکشد زیرا باید

برای هر منشی ضابط ثبات اندیکاتور نویسی یک مدتی مشغول باشند و مذاکره کند این بود که برای جلوگیری از حیف و میل ها برای اینکه یک تعدیلی و توازنی بین جمع و خرج حاصل شود و برای اینکه هر روز ده بیست هزار تومان تقریباً نشود یک اصل کلی در نظر گرفته شد و صورت جزء جمع عایدات را از وزارت مالیه خواست و مطابق راپورتنی که آقای هیر الدوله سی و نه کروار عایدات مسلمی را که سته گذشته بفرزانه وارد شده بود صورت دادند ما هم آن عایداتی مسلم را در نظر گرفتیم و وارد افلام خرج شدیم آن وقت بودجه های عجیب و غریب بنظر ما رسید مثلاً وزارت مالیه عایدات مستقیم و غیر مستقیم را که وصول کرده غیر از عایدات گمرک و نفت و تعدید و غیره و پنج میلیون صورت میدهد در مقابل وقتی دقت کنیم می بینیم بودجه خرجی که صورت میدهد قریب چهار کروار و کسری است ملاحظه میفرمایید برای وصول این ده کروار وزارت مالیه بودجه خرجی که میدهد چهل در صد تجاوز میشود مثلاً صورت عایدات اداره تعدید را که میدهد می بینیم دو کروار و سیصد هزار تومان است وقتی مراجعه کنیم خواهیم دید که برای وصول دو کروار سیصد هزار تومان قریب یک کروار صورت خرج میدهد که تقریباً صد پنجاه میشود و همچنین سایر بودجه ها که بعضی از افلامش را برای آقایان میفرمایند که به بیننده چه خرج و مرجعها در مالیه این ملت بیچاره هست در هر روز میباید کسری بودجه هستم و فریاد می زنم کمیسیون بودجه برای خاطر آنکه از این مخارج زیادی جلوگیری کند عایدات را در نظر گرفت و یک مقداری که باید از مخارج موضوع شود موضوع کرد بودجه که دولت پیشنهاد کرده بود تقریباً چهل و هفت کروار یعنی بیست و سه میلیون کسری بود این عایدات را بوزارتخانه تقسیم کردند بودجه وزارت جنگ را مطابق آنچه پیشنهاد کرده بودند که نه میلیون بود تصویب کردیم و قرار شد همان نه میلیون باشد آنوقت دیدیم کسری بودجه ما تقریباً هفت کروار میشود به علاوه شصت در افلام بزرگ برای خاطر اینکه از بودجه کسری شود غیر از اینهم چاره نبود چنانچه آقایان ملاحظه فرموده اند از وزارت مالیه مقدار زیادی شاید تومانی سه قران حکسرسد از وزارت داخله هشتاد هزار تومان کسرسد که صورتش نزد آقایان هست همینطور از هر وزارت خانه کسری شده با وجود این کسرها چنانچه صورت جزء را مراجعه نمائید خواهید دید باز زیاد است آنوقت برای اینکه آن مقصودی که در نظر داریم بطور حتم قائل شویم نسبت بوزارتخانه ها اعتبار موافقت داریم که هر یک از وزارت خانه ها در حدود این اعتبار بودجه های خود را تأمین کنند و پنج روز مرتب کنند بمجلس شورای ملی بیاورند و اگر هر آینه هر یک از وزارت خانه ها تا یا نزد هم حوت بودجه خود را بیاورند مطابق این پیشنهاد بآن وزارت خانه وجه داده نخواهد شد که مجبور باشد بودجه جزء خود را بمجلس نیاورد این است که با این ترتیب بودجه را تصدیق کردم بنده فرمایشات آقای حاج شیخ الاسلام را راجع به تقریباً کامل در ولایات و مرگروم چنین در تشکیلات تصدیق میکنم زیرا مواضع مالیه این مملکت

بدبخت یک حکایتی است فرمایشات ایشان راجع به اصفهان بود و اطلاعاتشان نسبت بمحل خودشان بود ولی اگر مراجعه فرمایند و ببینند تمام مملکت چه صورتی داشته است آنوقت تصدیق می فرمایند که باز اصفهان نسبت بجای دیگر بهتر بود جاهای دیگر حکایات غریب و حالات اسف آور دارد که انسان را بهوت می کند وزارت مالیه نسبت بولایات مستقیم و غیر مستقیم پنج میلیون صورت میدهد در صورتی که مطابق جزو جمع قدیم چندین برابر حالا زیادتر میگیرند قدیم مالیات نقدی پنج میلیون و صد هزار تومان و سیصد و چهل هزار خروار جنسی بوده است و اگر رو بهم رفته جنسی را از قرار خسرواری ۱۰ تومان حساب کنیم تقریباً هفت کروار می شود که تنها مالیات مستقیم مملکت هفده کروار میشود و وزارت مالیه صورت عایداتی که در بیچی ثیل به صندوق مالیه وارد شده چه مستقیم و چه غیر مستقیم ۵۰ میلیون صورت میدهد تقریباً نصف کم میشود و بگوید لا وصول هم هست در صورتی که اگر بخواهیم لا وصول را کم کنیم فقط کیلان و یک قسمتی از آذربایجان بوده است شاید یک کروار یا دو کروار باقی مانده باشد آنوقت اساس مالیه و مأمورینی که تصدیق کرده اند عایدات مالیه را نصف صورت میدهند و برای آن پنج کروار بودجه میدهند یکی از چیزهایی که در این صورت هست جمع و خرج مالیه و خالصات طهران است که بنده افلام آنرا تمام میفرمایم ملاحظه فرمایید صورت مالیه مرکز طهران و خالصات یا نصف و پنج و چهار هزار و یازصد و نود و نه تومان این جمع مالیه طهران است حالا به بیستم مخارج چند است .

مواجب و مدد ما ش یکصد و پنجاه و شش هزار و صد و نود تومان . ایضاً از بابت تحصیل ارباب و غیره هشتاد و هفت هزار و دویست و نوزده تومان موارد فوق - العاده هفتاد و نه هزار و یازصد و بیست و نه تومان . مطبوعات که از اداره میدهند مطبعه چاپ میکنده ۱۴ هزار و شصت و چهل و شش تومان و ملزومات ۱۲۰۵ تومان یست و تلگراف ۱۷۷۰ تومان مخارج مسافرت مثلاً از تهران به بوشهر بار بوشهر . جای دیگر که نیست ۴۱۰۸ تومان . مخارج تقشیش ۱۴۴۷ تومان خرید و تعمیر اثاثیه ۴۱۰۸ تومان سوخت ۲۴۹۵ تومان . روشنائی ۷۹۶ تومان مخارج خالصات ۸۷۷۲۱ تومان مخارج وصول مستقالات ۲۱۵۳۵ تومان . اینجا مضحک است که مخارج وصول مستقالات در بودجه که وزارت مالیه بنا داده ۲۱۵۳۵ تومان است صورت عایداتی را که وزارت مالیه بنا داده است ۷۵۰۰ تومان است حسن اداره نتیجه اش این است که ۲۱۵۳۵ تومان خرج ۷۵۰۰ تومان عایدی است که ملاحظه می فرمایید مخارج اصطبل ۹۳۲۸ تومان متفرقه سی و سه هزار و شصت و شصت و چهار تومان . ذیابج شش هزار و هفتصد و چهل و هفت تومان . نواقص یست هزار و صد و سی و یک تومان . رسومات بیست هزار و دویست و بیست و یک تومان . مخارج قضاری دوازده هزار و چهارصد و نود و هشت تومان . عایدات آتش بازده هزار و شصت و نود تومان حسن اداره است .

سوق الدواب یک هزار و چهارصد و سی تومان سر دار معظم - این چه صورتی است؟ حاج شیخ اسدالله - بر حسب امر وزارت مالیه از طرف اداره محاسبات برای دادن توضیحات حاج میرزا فتح الله خان را در اینجا خواستم این صورت مخارج را جزء اداره محاسبات مالیه داده است بنده مخالف هستم برای مالیه بر حسب وظیفه خودم رفتار کرده ام و باید بر عرض آقایان برسانم مطابق این بودجه هائی که آقایان وزراء بمجلس پیشنهاد کرده اند در صورتی که مجلس شورای ملی مساعدت کند و این اعتبارات را که کمیسیون بودجه تصویب کرد تصویب کند بنده با کمال افتخار عرض میکنم که بودجه مملکت ما کسری ندارد بلکه اگر هر آینه عایدات درست جمع آوری شود و حسن اداره در کار باشد فاضل هم داریم حالا از جهت اینکه می گویم کسری نداریم چه چیز است ؟ مطابق بودجه پیشنهادی که بیست و سه میلیون کسری است و پنج کروار که کسری شده است باقی بماند بیست و یک میلیون . از این بیست و یک میلیون هم بیست و نه کروار تقریباً صورت عایداتی است که خود دولت در بیچی ثیل وصول میکرد و صورت دارد که جای انکار نیست در حالی که بعضی چیزهایی هست که جزو این صورت نیامده بعضی عایدات هم هست که اگر درست اداره شود زیادتر از صورتی است که دولت داده مثلاً یک قسم همان عایدات مستقیم است که هفده کروار میشود وزارت مالیه با مالیات غیر مستقیم پنج میلیون صورت داده اگر درست اداره شود دو برابر میشود و همچنین سایر عایدات دیگر مثلاً یک قلم عایدات گل سرخ است طبعات بیچی ثیل و از وزارت مالیه چهارصد و نود و نه تومان صورت میدهد در حالتیکه اگر همین معدن را بخود حاجی معین التجار بدهند سالی در یست سیصد هزار تومان عایدی دولت میشود وزارت مالیه اداره کرده است و سالی چهار هزار تومان شده راجع به خیلی قسمتهای دیگر اسم برده نشده مثلاً طرق و شوارع و راه شوسه است و اگر درست اداره کنند یک کروار عایدات دارد در حالتیکه یک پولی منظور نشده را آن تیریز است که صورت داده نشده معدن است معدن نمک و فیروزه و غیره که آقایان میدانند از همین راهها شاید صد هزار تومان عاید میشود شلات است که اگر دولت اجازه دهد خودش محل معتبری است . همینطور خیلی عایدات دیگر هم هست . همین معارف که همه برای آن سنگ بسینه میزنیم در مدارس متوسطه از اطفال حقوق می گیرند بنده از معاون وزارت معارف سؤال کردم عایدات مدارس متوسطه چقدر است اول فرمودند ما می پنج هزار تومان بعد فرمودند ما می سه هزار تومان و مدارس متوسطه در هیچ جای دنیا مجانی نیست ولی این سالی شصت هفتاد هزار تومان که گرفته میشود نه وزارت معارف بنا صورت داده است نه وزارت مالیه میگویند ما این عایدات را خودمان بوزارت مالیه صورت میدهم بعد از آن بابت حواله وزارت مالیه معسوب می داریم بسیار خوب ولی وزارت مالیه که باصورت میدهد باید جزو جمع خود می آورد اما باورده از موقوفات سالی پنجاه هزار تومان می گیرند با وجودیکه مجلس شورای

ملی تصویب نکرده یک شاهی در صورت عایدات نیست بنده کاری ندارم که بگیرند یا نگیرند ولی گرفته اند از معاون وزارت معارف سؤال میکنم که این عایدات کجا رفته است میفرمایند سی و چهل هزار تومان عایدات این محل بوده بوزارت مالیه پیشنهاد کردیم وزارت مالیه هم تصویب کرد که برای اوقاف ولایات مین و صندوق بسازند یک شاهی عاید دولت نشده مقصود این است که اگر دولت تصدیق کند عایدات مملکت را درست جمع آوری کند این بودجه که امروز درست ماست کاملاً تعدیل می شود بلکه اضافه هم دارد مدارس هم آنقدر تعطیل میکنند بیشتر از اینکه امروز می دهیم خواهیم داد ولی اگر باین ترتیب باشد همینطور هرج و مرج باشد همین است که دیده ایم و نامجلس شورای ملی یک تصدیق قطعی اتخاذ نکند همین وضع است هشت یا نه ماه حقوق همه وزارتخانه ها عقب می افتد حتی حقوق وزارت جنگ که چند کروار طلبکار است مطالب دیگری راجع به حساب بیچی ثیل خواستم عرض کنم برای اینکه شاید دیگر نوبت بر عرض بنده نرسد و چون آقایان به بنده توصیه می فرمودند که با مختصر پرداخته و با مطول کردن عرایض آقایان را معطل نکنم لذا بنده تمام طاعت می کنم ولی چیزی را که ناگزیر از عرض آنم این است که مطابق صورت بودجه که دولت داده است چهل و هفت کروار صورت خرج است در چه صورت ما این خرج را داریم در صورتیکه بودجه وزارت جنگ نه میلیون باشد البته همه آقایان اطلاع دارند که در سال گذشته بودجه وزارت جنگ نه میلیون نبوده اداره ژاندارمری و قزاق - خانه منتهی بودجه اش بالغ بر ده دوازده کروار میشده و از این محلشش کروار که بر میگردد باید بودجه تعدیل شده باشد در حالتیکه یک پولی هم از بابت پس افت عایدات نفت جنوب گرفته شده که بالغ بر هشتصد هزار لیتر است و معلوم نیست چه شده بنده که نفهمیدم این مبلغ پول کجا رفته و چه شده به علاوه نصد هزار تومان برای مخارج فوق العاده در همین بودجه بیش بینی شده است که دولت سال گذشته آنرا بصرف رسانیده و اگر بفرمایند برای قشون کشی بعضی خرج ها شده نمایانم سوق دادن پنج شش هزار قشوق چقدر خرجش باشد آنرا بنظر معتمد آقایان و گذار میکنم اینجا یکی از آقایان هم نوشته اند و سابقاً هم خیلی مذاکره شده است که از حیف و میل هائی که در ادارات میشده است باید جلوگیری شود راه آن این است که مجلس شورای ملی رأی بدهد و دولت هم تصدیق کند برای تمام عایدات اعم از مالیات مستقیم و غیر مستقیم یعنی گمرک و هر چه از هر کس می گیرند دولت تمیز چاپ کند برای اینکه کاملاً تمیز شود در هر سال چقدر وصول می شود که در نتیجه هیچکس حق نداشته باشد بپزیرا بدهد مگر با تمیز اگر آقایان موافقت بکنند و همچنین این پیشنهاد بموقع اجرا گذارده شود تصور می کنم این یک راهی باشد برای جلوگیری از حیف و میل هائی که می شود و باز هم عرض میکنم اگر عایدات ما جمع آوری شود کسری بودجه نداشته بلکه زیادتر خواهیم داشت و می توانیم سیصد هزار تومان پانصد هزار تومان و یک میلیون و دو میلیون هم بمصارف بدهیم

سر دار معظم مخبر کمیسیون بودجه - تحت تأثیر خرابی های منته ادارات مالیه ما بواسطه افراط کارهایائی که شده و می شود متأسفانه مخالفین و موافقین محترم بدون توجه بموضوع اصلی لحن واحدی را اتخاذ میکنند مخالف و موافق بکسری خطاب صمود بفرمایند و یک شرح مفصلی از خرابی های ادارات مالیه بیان بفرمایند و در میان فرمایشات خودشان یک کمک معارف پروری هم می باشد بسیار خوب ولی موضوع این نیست اجازه می دهید چند مسئله توضیح بدهم برای اینکه آقایان دیگری هم که بعد از بنده تشریف می آورند اگر موافقت حقیقتاً موافقت بفرمایند و اگر هم مخالف با در نظر داشتن نتیجه از ذکر مقدمات مخالفت خودشان اگر بیاناتی بفرمایند راست است مالیه ما خراب بوده ولی اگر درست دقت فرمائید ملاحظه خواهید فرمود که تمام ادارات ما خراب است . زیرا لازمه دوره قنرت خرابی است هر چه هم بر خرابی گذشته بنده کنیم سودی ندارد فقط ما باید حالا تصمیمی بگیریم که در آتیه نظارت آن خرابی ها مشاهده و تکرار نشود و الا بنده هم می دانم در این مملکت دزدی شده از اداره رستم و اسفند باز دزدیده اند شصت و چهار تومان یا شش میلیون برده اند منحصراً بمالیه اصفهان هم نیست . فرضاً بروجرد عراق خراسان را هم ضمیمه آن کنید چه نتیجه و سودی دارد ؟ مجلس شورای ملی و مخصوصاً کمیسیون بودجه بر حسب ماده پیشنهادی خود بنده که حالت آنهم بر طرف کردن خرابی های گذشته بود جرات تصدیق قطعی اتخاذ کرده و با دولت در تهیه بودجه مشارکت کنند زیرا دیدیم روز بروز مخارج ما در تزیین و عایدات ما در نقصان است و اینهم نتیجه بود که قهراً از خرابی حاصل میشد زیرا هیچکس از پول گرفتن بدش نمی آید و هر وقت خرج و مرجیش می آمد ناچار تقریب کاری هم بیشتر می شود و آن وقت ما آدمیم گفتیم حالا چه باید کرد . گفتیم اگر خیلی شویم و در حال مرام و نظوری برای تعین عایدات قطعی رویه اربابانی را اتخاذ کنیم مادامی که دلخوش باین الفاظ باشیم وقت می گذرد و هر روزی هم که می گذرد مبلغی از کسبه این مملکت بد بهت خارج میشود در صورتی که این اصل درازده سه معروض مسلم است که اگر بخواهیم حیوة قطعی خودمان را تأمین کنیم باید بقیمت فدا کاری های زیاد بواسطه وطن پرستی بواسطه توانائی در تحمل مشقات و زحمات و باور نظر گرفتن گرسنگی و سختی با عایدات خودمان زندگانی کنیم و تا وقتی که افراد ایرانی این قدرت را نداشته باشند که با عایدات خودش زندگانی کنند تا وقتی که دیگران این اطمینان را ندارند که امروز یا فردا از این حسن لافه بی استفاده کرده مارا درسه کثیفی گیر آورده و با دادن مبلغی مارا بقول شرایط سنگین و طاقت فرسائی ناچار وادار میکنند و ما هم در تحت تأثیر احتیاجات مجبور بقبول آن شرایط سنگین هستیم حال ما بی تپاه و مملکت هم قهراً رو باضه علال فنا می می کند . گفتند صحیح است

پس ملت و مملکت ایران باید هر طور هست با عایدات خودش زندگانی کند مثلاً فرض بفرمائید زمین بیاضی است ملو از خرابی ویران گیه و علف های بی فایده و خار میقلان شما کمر همت بسته اید و میخواهید این زمین لمیزرع را قابل زرع و آباد اداره کنید . اگر از روز اول و قبل از همه چیز در فکر کج بری و آینه کاری آن باشید قطعاً عملی نیستی باید اول دور زمین را بقدو احتیاج و ضرورت خودمان چهار دیوار بکشید از این مرحله که خارج شدید و فراغتی حاصل شد آن وقت باید مطابق وسعت و دارائی و فرصت و سلیقه خودمان هارتمی تأسیس کنید .

حالا برای اینکه حسن معارف پروری هم ملاحظه شده باشد بدو عرض می کنم یک دارالفنون تأسیس کنند و بسازند اما در حال تقدم بر هر چیز باید زمین این دارالفنون را با اسویه با زمین ادارات دیگر معاینه کنید که تناسب داشته باشد .

کمیسیون بودجه خود را اغفال نکرده و دلخوش هم نشد که می آید و می نشینیم بودجه مملکتی را که تا بحال فاقد بودهای منظم و مرتب می کنیم و بعد به مجلس شورای ملی پیشنهاد می کنیم کمیسیون بودجه نظری بمبادیات نداشته و آن صورت کند را هم اصلاً در نظر نگرفته و مورد توجه قرار نداده است از همه

نداشت برای عملی شدن لازم بود که اول عایدات ممکن خود را که همین نوزده میلیون و خورده است به بینیم حالا خواهید فرمود که این مبلغ کم است من هم با شما موافقم راست است این عایدات کم است و اگر این عایدات کاملاً جمع آوری شده و تفریط کاری نباشد شاید اگر مبالغه نگفته باشم میتوانستیم بیست و پنج

ملیون عوض این نوزده میلیون مآخذ و مدرک عایدات مملکتی قرار دهیم ولی آنسوس باید خود رو که آنطوری که باید حفظ شود نشده گرچه آنسوس خوردن هم نتیجه ندارد بنابراین اول عایدات خودمان را که در نتیجه همان خرابی باز عاید صندوق مملکت شده است

مآخذ قرار می دهیم در صورتیکه بعد هر قدر عاید می شود کسی از ما نمی گیرد ولی بیش بینی میکنم و فرض می کنم عایدات ما همینقدر خواهد شد و بیش بینی می کنم که با مساهمی جبلة آقای شیخ الاسلام و سایر آقایان هم موفق بجلو گیری از تفریط کاریها نخواهیم شد ممکن است فرض محال محال نیست آنوقت باز

بامان تفریط کاریهای میرزا علی اکبر خان و دیگران که فرمودند باز نوزده میلیون و خورده عایدات ما خواهد بود آنوقت ماهی گردیم در مواد قانون ماده عایدات را مخصوصاً درج نکردیم که بارای مجلس

این عایدات تصویب شود مابین عایدات را فقط برای اینکه نمونه و مقیاس در دست آقایان نمایندگان باشد در مقدمه راپورت خودمان ذکر کردیم که بداند عایدات مملکت بواسطه همان خرابیها نوزده میلیون تومان بوده امسال اگر سعی کنید شاید موفق شوید که بر عایدات بمفرمائید و در عوض مغایر شایست و دو میلیون و خورده است این کسر بودجه را از کجا باید جبران کرد . دوراه دارد بایاید گفت این مردم

و نباید بیرید و بیچاره ما را نباید خبر کرد ادارات را نباید حلف کرد و بالاخره از این حرف ها که مردم خوششان می آید ولی روح حقیقی مملکت بدش می آید و منجر است اگر این حرف را میزدیم نتیجه اش این میشد که این کسر بودجه خودمان را بهر ذلت که باشد از خارجه فرض کنیم معلوم است آنها هم باجه شرايطی می دادند پس بهتر این است بگوئیم مملکت ما ندارتن است و بهمان تناسب روز خرج کنیم و یک قدری از این توقعات آرزوهای شمشع فعلاً صرف نظر کنیم تا بعد به بینیم چه می شود بنابراین کمیسیون بودجه آمد بدو اینک داخل در جزئیات بشود و بدر نظر گرفتن اقلام بزرگ هر وزارت خانه یک قدری از آن کم کرد و گفتیم اگر از بودجه که معمول سند پیچی میل بوده و از طرف دولتهای مختلفه پیش بینی شده بکمتری از بینیم سکت باساز زندگانی سیاسی واجتماعی مملکت دارد نخواهد شد البته باید بک فشار هارتمی بخودمان بدیم و در آن حدود بودجه جزو رابنویسیم و بمجلس شورای ملی تقدیم کنیم همین کار را هم کردیم و بالاخره نتیجه عملیات کمیسیون این شد که کمسیون نوزده و دو میلیون و چهار صد و هفتاد و پنج هزار تومان صرفه جوئی قطعی کرده و شما باید از کمیسیون بودجه خودمان مبالغ دو میلیون و چهار صد و هفتاد و پنج هزار تومان متون و متشکر باشید و با اینکه این صرفه جوئی را کرده ایم باز یک فلان و کسری بودجه داریم و اگر بنده معبر کمیسیون بودجه نبودم و مجبور نبودم که از نظر کمیسیون بودجه دفاع کنم و میتوانستم عقیده شخصی خود را اظهار کنم می گفتم معادل همین یک میلیون و کسری هم باز باید بر اینک بودجه مملکت تعدیل شود از بودجه کسر شود زیرا آنوقت که مجلس شورای ملی مغایر مملکت را تعدیل نکند یعنی مغایر قسمتی را با اول عایدات با هم مساوی نکند قدم قطعی بطرف هیچیک از اصلاحات بر نداشته است ولی بنده معتقدم که در اصلاحات باید قائل بتدریج شد و کمیسیون هم همین نظریه را اتخاذ کرده است زیرا این خرابی ها که در سونات گذشته رو به جمع شده و تراکم یافته نمی شود بلکه روز در روز اصلاح کرد و باید برور ایام و بتدریج اصلاح و ترمیم بشود این است که بنده شخصاً معتقد شدم باینکه بودجه خرج را در حدود اعتباراتی که از طرف کمیسیون برای وزارت خانه ها تهیه شده وزراء بودجه خودشان را در همان حدود تهیه نمودند و مجلس بیآورند آنوقت البته در مملکت با مختصر صرفه جوئی یک میلیون و یکصد هزار تومان هم با از اوائل مملکت معاش بر میشود و محتاج بتوسل بخارجی نخواهد شد حالا بعد از این عرض که کردم همین امیدواری ببندد حق می دهد که باتصمیم کمیسیون بودجه موافقت کنم و از آقایان ناطقین معترمی که بعد از بنده نطق خواهند فرمود میخواستم استدعا کنم که دیگر بخرابی های گذشته مالبه ندبه نکنند که نتیجه ندارد همه می دانیم خرابی بوده است جناب عالی از اسفهان خبر دارید بنده از خراسان آقا از عراق اگر مادر موضوع بودجه بخراهم اطلاعات خود را بیان کنیم نقض عرض میشود و ما هم بقدر سهم خود مشارکت

در آن خرابی ها کرده ایم پس خوب است از خرابی های گذشته حرف نزنیم و صورت غائی را که از دست راست و دست چپ تحصیل کرده ایم اینجا بنفوانیم که نتیجه ندارد و فراموش نفرمائید که معنی مخالفت این است که این اعتباری را که شما برای وزارت خانه تعیین کرده اید من زیاد میدانم فقط از این نقطه نظر ممکن است با کمیسیون بودجه مخالفت کرد والا بعنوان اینکه من با این راپورت مخالفم و بعد شرح دادن که خرابیهای گذشته چطور بوده است مخالفت با کمیسیون بودجه نیست زیرا کمیسیون بودجه مشمول خرابیهای گذشته نبوده است پس آقا باینکه مخالفند خوب است بگویند این اعتبارات کم است و یا زیاد است و دلائل خود را بفرمائید این جمله را عرض کردم که آقایان ناطقین دیگر را بطور نطق نفرمائید .

چون یاسی از شب گذشته است و موقعی که در مجلس در معرض بودجه مذاکره می شود باید آقای وزیر مالیه هم حضور داشت باشند و امروز بواسطه کسالت مزاج نتوانستند حاضر شوند . اگر آقایان مخالف نباشند بقیه مذاکرات بامداد برای روز سه شنبه .

(گفتند صبح است)

(مجلس سه ساعت از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۵۶

صورت مشروح مجلس یوم ۳ شنبه

نوزدهم برج جدی ۱۳۰۰ مطابق

یازدهم جمادی الاولی ۱۳۴۰

مجلس یکساعت قبل از غروب در تحت ریاست

آقای مؤذن الملك تشکیل گردید

صورت مجلس یوم یکشنبه هفدهم جدی را آقای

تدین قرائت نمودند

رئیس — آقای محقق العلماء

(اجازه)

محقق العلماء — بنده میخواستم عرض کنم که

آقای آشتیانی بواسطه یاد دهنده بدی بستی هستند در صورت

مجلس ایشان را غائب بدون اجازه نوشته اند

رئیس — با اجازه نوشته میشود دیگر اعتراضی

نیست؟ (گفته شد خیر)

رئیس — صورت مجلس با این اصلاح تصویب

شد سه فقره راپورت راجع بوسکالی تبریز رسیده

است قرائت میشود و رأی میکنیم آقای آقا سید

یعقوب معبر کمیسیون تشریف بیآورند قرائت نمایند

(آقای آقا سید یعقوب راپورت های سه گانه

را بمضمون زیر قرائت نمودند)

کمیسیون تحقیق انتخابات آذربایجان در تکمیل

عملیات خود راجع بصلاحت نمایندگی آقای حاج سید

المحققین مجلس مقدس راپورتا چنین عرض میکنند

که کمیسیون تلگرافا از آقای حاج سید المحققین

استفسار نمود که قبول نمایندگی خودشان را گرفته

اعتبار نامه اطلاع دهند مطابق تلگرافی که از ایشان

رسیده نمایندگی را قبول فرمودند و ضمناً اطلاع

دادند که اعتبارنامه ایشان داده نشده کمیسیون پس

از رسیدن تلگراف جلسه خود را تشکیل داد چون نسبت

بصلاحت ایشان اعتراض نیافت و اعتراض هم نبود اتفاق آراء نمایندگی ایشان را با کثرت ۸۴۸۴ رأی از حوزه انتخابیه شهر تبریز و حوزه های جزه شهر تبریز تصدیق مینمایند .

کمیسیون تحقیق انتخابات آذربایجان در تکمیل عملیات خود راجع بصلاحت نمایندگی آقای معتمدالتجار بمجلس مقدس راپورتا عرض میکنند از آقای معتمدالتجار تلگرافا قبول نمایندگی خودشان استفسار شد ایشان جواباً نمایندگی را قبول و اطلاع دادند که اعتبارنامه هنوز بایشان داده نشده پس از رسیدن چنین تلگرافی کمیسیون جلسه خود را تشکیل داد و اتفاق آراء نمایندگی آقای معتمدالتجار را بواسطه حائزیت اکثریت ۵۳۷۹ آراء از حوزه انتخابیه شهر تبریز و

حوزه های تابعه چون اعتراض نسبت بصلاحت ایشان نبود تصدیق می نماید کمیسیون تحقیق انتخابات آذربایجان در تعیین عملیات خود راجع بصلاحت نمایندگی آقای آقامیرزا ابوالقاسم خان مدیر معارف تبریز راپورتا به مجلس مقدس چنین عرض میکنند از آقای آقامیرزا ابوالقاسم خان تلگرافا استفسار شد که نمایندگی خودشان را اطلاع دهند در جواب تلگراف نمایندگی را قبول نموده و از عدم اخذ اعتبارنامه م خبر دادند پس از رسیدن جواب کمیسیون جلسه خود را تشکیل

داده مطابق خلاصه صورت مجلس انتخابات تبریز و حوزه های تابعه آقای آقامیرزا ابوالقاسم خان حائز اکثریت آراء از حوزه های مذکور هستند نسبت بصلاحت ایشان اعتراض نبوده لذا با اتفاق آراء نمایندگی ایشان را بشارا بودن ۳۹۹۹ رأی تصدیق می نماید

رئیس — راجع بنمایندگی آقای حاج سید المحققین مخالف هست؟ محمد هاشم میرزا — بنده عرض دارم رئیس — بفرمائید

محمد هاشم میرزا — مطابق نظامنامه انتخابات وقتی یک نفر نمایندگی را قبول کرد انجمن نظار باید اطلاع بدهد و یک هفته برای اسغای شکایات و رسیدگی به هیند و رسیدگی کند اگر شکایتی نرسید آنوقت تصدیق نمایندگی را بنماید و همچنین در موقعی که مجلس شورای ملی مفتوح میشود تایکماه رأی وصول شکایات باید تأمل نماید حال اگر این موقع نمیدانم چرا

از انجمن نظار ذکر می نشده آیا کمیسیون وظیفه انجمن را عهده دار شده یا از طرف مجلس اقدامی شده است که اگر کسی بخواند شکایت کند به کجا شکایت نماید در تبریز که اعلان نشده در اینجا که مجلس یکماه تعطیل نشده پس تکلیف چیست؟ البته آقایان نمایندگان مضمون راپورت را تلفظ شده اند خواستم مسئله قانونی آنرا سؤال کنم که بعدها اسباب اشکال نشود تا هر یک از آقایان ممکن است جواب بدهند راپورند

آقای سید یعقوب معبر کمیسیون — خبنی خوب بود نمایندگی محترم در موقعی که در راپورت آقای آقا سید معتمد تقی طباطبائی صحبت میشد مذاکره می فرمودند تا جواب داده میشد در صورتی که به نمایندگی ایشان رأی داده شده گمان نمیکنم دیگر

موقمی برای اعتراض باقی باشد

مجلس سه ساعت از شب گذشته ختم شد

رئیس — آقای سید معبر کمیسیون

مجلس سه ساعت از شب گذشته ختم شد

برای اینکه وقتی مجلس شورای ملی رأی داد آن رأی قاطع است و نمی شود ایراد کرد بهین وضع که بنده راپورت آقای آقا میرزا معتمد تقی را خواندم راپورت سایرین را هم خواندم و مثالی است مشهور میگویند دستی را که حاکم برید دبه ندارد بعد از آنکه مجلس شورای ملی بکمیسیون تحقیق انتخابات آذربایجان حق داد در واقع مجلس شورای ملی بکمیسیون هم حقوق انجمن نظار مرکزی را داده هم حقوق شعبه و هم حقوق کمیسیون تحقیق را در صورتی که خود آذربایجانی ما کاملاً مستحضر بودند که هفت ماه است مجلس شورای ملی مفتوح شده (مقصودم وارد شدن در جزئیات اعتراض نماینده محترم است و الا مطلب همان بود که عرض کردم) و در این مدت اعتراض و شکایتی نرسیده .

بعلاوه ما بطور خط هیئت رئیسه تلگراف کردیم و از تبریز صورت خواستیم و سماء طول کشید و در اینجا رئیس الوزراء و معاون وزارت داخله را خواستیم و برای خودمان این مسئله را شاهکار قرار داده بودیم و هر روز سؤال میکردیم که نمایندگان آذربایجان چه شدند .

هه این صداها بلند شد و در اشدت ابد آشکایتی رسید پس از آن مجلس مقدس چنین مقرر را بکمیسیون تحقیق انتخابات آذربایجان داد و کمیسیون هم اقدام کرد و عملیات اولیه اش را هم انجام داد و بعد هم نمایندگی آقای آقا میرزا معتمد تقی تصدیق شد در این صورت گمان میکنم دیگر جای اعتراض برای نماینده محترم باقی نباشد .

رئیس — آقای سلیمان میرزا موافقید؟

سلیمان میرزا — بلی .

رئیس — آقای معتمد هاشم میرزا

(اجازه نطق)

محمد هاشم میرزا — خوب بود آقای معبر دقت می فرمودند و جواب بنده را مطابق سؤال خودم می فرمودند .

اولاً در اینکه در خصوص اعتبارنامه آقا میرزا معتمد تقی رأی داده شد بنده این را هیچ دلیل نمیتیم برای اینکه در موقعی که بنمایندگی آقای آقا سید معتمد تقی طباطبائی رأی داده شد در واقع آن اصلی را که کمیسیون تحقیق انتخابات اتخاذ نموده بود مجلس قبول کرد و اگر بنا شود رأی دیگری بدهند با آن رأی متناقض خواهد شد .

بر فرض کمیسیون تحقیق انتخابات وظیفه انجمن را هم داشته باشد اگر داشته پس از آنکه قبول نمایندگی آقایان معلوم شد باید بآذربایجانی ها اطلاع بدهند که اگر کسی حرفی دارد اطلاع بدهد و اگر هم ندارد معلوم شود کسی حرفی ندارد . خواستم بدون جهت قانون انتخابات پایمال نشود و موادش درهم نشکند که اگر چند ماه این طور بگذرد قانون انتخاباتی باقی نخواهد ماند بهر حال مقصودم یک تذکر قانونی بود و فرمایشی که فرمودند برای این مطلب کافی نیست .

رئیس — شاهزاده سلیمان میرزا (اجازه نطق)

رئیس — شاهزاده سلیمان میرزا

رئیس — شاهزاده سلیمان میرزا

سلیمان میرزا — اگر بنده اشتباه نکرده باشم شاهزاده محمد هاشم میرزا سؤال فرمودند که مطابق مواد قانون انتخابات بعد از ختم انتخابات انجمن نظار باید برای رسیدگی بشکایات یک هفته وقت تعیین کند .

بسیار خوب اگر بصورت تجانس رجوع بفرمائید ختم انتخابات آذربایجان در همان تاریخ اعلان شده و این یک هفته را که حضرت والا می فرمایند از آن تاریخ تا بحال خیلی هفته ها گذشته و راجع به همین اشخاص بعد از ختم انتخابات بعضی شکایات ها هم رسیده .

پس از آن ماده قانون انتخابات کاملاً رعایت شده و یک هفته بعد از ختم انتخابات اهالی حق داشته اند اگر شکایتی دارند بفرمایند و اگر در ظرف آن یک هفته شکایت نفرموده باشند آن حق را از دست داده اند .

پس در این باب اعتراضی وارد نیست و در قسمت دوم که میفرمایند یکماه هم برای شکایات در مجلس مهلت هست البته فراموش نفرموده اند که از برای اشخاصی که قبل از افتتاح مجلس انتخاب شده اند این یکماه مامول افتتاح مجلس است ولی جاهائی که باید تجدید انتخاب بشود یکماه پس از تعیین نمایندگی باید مجلس رسیدگی بشکایات بکند والا اشخاصی مثل بنده و حضرت والا که چند سال قبل انتخاب شده ایم یکماه از افتتاح مجلس که گذشت و کسی شکایت نکرد موهه قانونی از برای شکایات آنها منقض شده .

بنا بر این گمان میکنم اگر به ریاض بنده دقت بفرمائید همین مقدار توضیح کافی است و دیگر موقمی برای اعتراض باقی نیماند و هر دو ماده قانون انتخابات رعایت شده .

بنا بر این هم از حیث رعایت این دو ماده و کالات آقایان صحیح است و هم جریان انتخابات صحیح بوده و هم آقایان نمایندگان دارای صلاحیت کامل هستند

رئیس — بنظر بنده هم ایرادی که شاهزاده محمد هاشم میرزا نمودند بالفعل وارد نیست برای اینکه در موقعی که بنمایندگی آقای آقا سید معتمد تقی طباطبائی رأی داده شد در واقع آن اصلی را که کمیسیون تحقیق انتخابات اتخاذ نموده بود مجلس قبول کرد و اگر بنا شود رأی دیگری بدهند با آن رأی متناقض خواهد شد .

محمد هاشم — علاوه بر اینکه شاهزاده جواب بنده را فرمودند بکلی عبارت بنده را بعکس تفسیر کردند بنده عرض کردم یک ماه اول مجلس که نیست مدتی را هم که باید انجمن نظار معطل باشد نشده اعتراض بنده باین جمله است عرض می کنم در آن موقع انجمن نظار بواسطه تعیین تکلیف آراء سهههه آید به انتخابات خانه نداده و خانه اش وقتی است که تکلیف آراء سهههه آید معلوم باشد راجع به آقا سید معتمد تقی هم عرض کردم در آن جلسه تذکر داده نشد و مجلس اگر رأی داد بدون تذکر بوده مقصود این است که این مسئله برای بعد یکساعت باشد که در زحمت باشیم و حالا هم اگر مجلس رأی می دهد بنده

محمد هاشم — علاوه بر اینکه شاهزاده جواب بنده را فرمودند بکلی عبارت بنده را بعکس تفسیر کردند بنده عرض کردم یک ماه اول مجلس که نیست مدتی را هم که باید انجمن نظار معطل باشد نشده اعتراض بنده باین جمله است عرض می کنم در آن موقع انجمن نظار بواسطه تعیین تکلیف آراء سهههه آید به انتخابات خانه نداده و خانه اش وقتی است که تکلیف آراء سهههه آید معلوم باشد راجع به آقا سید معتمد تقی هم عرض کردم در آن جلسه تذکر داده نشد و مجلس اگر رأی داد بدون تذکر بوده مقصود این است که این مسئله برای بعد یکساعت باشد که در زحمت باشیم و حالا هم اگر مجلس رأی می دهد بنده

محمد هاشم — علاوه بر اینکه شاهزاده جواب بنده را فرمودند بکلی عبارت بنده را بعکس تفسیر کردند بنده عرض کردم یک ماه اول مجلس که نیست مدتی را هم که باید انجمن نظار معطل باشد نشده اعتراض بنده باین جمله است عرض می کنم در آن موقع انجمن نظار بواسطه تعیین تکلیف آراء سهههه آید به انتخابات خانه نداده و خانه اش وقتی است که تکلیف آراء سهههه آید معلوم باشد راجع به آقا سید معتمد تقی هم عرض کردم در آن جلسه تذکر داده نشد و مجلس اگر رأی داد بدون تذکر بوده مقصود این است که این مسئله برای بعد یکساعت باشد که در زحمت باشیم و حالا هم اگر مجلس رأی می دهد بنده

رضی ندارم .
رئیس - با آن رایی که سابق داده شده حالا می خواهید رایی بدیم که باری پررور متناقض باشد همچو چیزی که نمی شود و کمان می کشم در این خصوص بیش از این نیشود مذاکره کرد (جمعی گفتند صبح است) پس رأی می گیریم بنایندگی آقای حاج سیدالمحققین آقایانیکه نمایندگان ایشان را تصویب میفرمایند قیام فرمایند (آقایان نمایندگان با اتفاق قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد نسبت بنایندگی آقای حاج معتدلالتجار می گیریم آقایانیکه نمایندگان ایشان را تصویب می کنند قیام فرمایند .

(عموم نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد رأی می گیریم بنایندگی آقای آقا میرزا ابوالقاسم خان آقاخانیکه وکالت ایشان را تصویب می کنند قیام فرمایند . (آقایان نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد رایورت کمیسیون بودجه مطرح است شور در کلیات است آقایانی که در جلسه گذشته اجازه خواسته بودند حالا می توانند مذاکره بفرمایند آقای سلیمان میرزا

(اجازه نطق)
سلیمان میرزا - اول از آقایان وقتا استدعا میکنم اجازه بدهند بنده يك قدری مطابق قانون اساسی در این موضوع بعضی مطالب را اظهار کنم زیرا البته همه آقایان بهتر از بنده مسبق هستند که آنچه چیزی که سبب شده است مجلس شورای ملی در همه جا برقرار باشد موضوع ماله است و مطابق قانون اساسی ما هم امور ماله از خصائص مجلس شورای ملی است و مجلس منا هم در آن حق ندارد و در حقیقت هر يك از ما و کلامه را که انتخاب کرده اند برای این بوده است که حقوق اولیه ملت یعنی پولی را که ملت از نتیجه زحمت و دسترنج خود برای معارف مملکت فووش می پردازد نظارت کنیم که به تصرف مملکت صرف خود واسباب ترقی و آبادی ملتی را که زحمت کشیده و این پول را تحصیل کرده فراهم آوریم و همه مذاکرات اساسی بر روی ماله مملکت است البته وقتی ما نخواهیم فلان اداره باشد وقتی اعتبار آنرا رأی ندادیم آن اداره حذف می شود . خلاصه اینکه مهمترین وظایفی که راجع بولایات یا مرکز داریم در موضوع بودجه است که به پیشیم آن پول را که موکلین ما با آن زحمت و فلاکت تحصیل می کنند اولیای امور مملکت بجه مصرف می خواهند برسانند تا برای این لازم است در این موضوع خیلی صحبت شود چون موضوع اساسی است حالا هفتده سال است از دوره مشروطیت ما گذشته متأسفانه آنچه در همه جا معمول بوده در مملکت ما هنوز اسس هم نیست یعنی به عبارت آخری يك بودجه منظم و مرتبی هنوز نداریم . بنده چنانکه مخیرمتر فرمودند نمی خواهم بخرابیهای زمان گذشته برگردم و در روی آنها صحبت کنم فقط

می خواهم مطابق مواد قانون اساسی بعضی مطالب را که بنظر بنده مخالف با آن مواد است بعرض آقایان برسانم که اگر بنده اشتباه کرده باشم رفع اشتباه از بنده بفرمایند اولاً عرض می کنم که مکرر گفته میشود رایورت کمیسیون بودجه یا قانون تعدیل بودجه بنده مطابق يك اصل از قانون اساسی که نگاه کرده ام و بعرض آقایان میرسانم گمان می کنم بتوانم اسم بودجه راوری آن بگذارم در قانون اساسی چندین مطلب در موضوع بودجه نوشته شده است اول راجع به جمعش نوشته است که میزان مالیات را همه ساله مجلس شورای ملی با اکثریت تصدیق و تعیین خواهد نمود .

سر دارم عظم - کدام اصل است
سلیمان میرزا - اصل نود و ششم است خیلی از آقایان معذرت می خواهم که میخواهم بکندری مشروحاً داخل این مطلب بشویم شاید بنظر بعضی ها قدری غریب می آید ما مکرر چه در کمیسیون خصوصی و چه در جلسات گفته ایم چه بکنیم که جوگیری از فقرت ها بکنیم و چه کنیم که مجلس پس از خانه اش مبتلا بشش سال و چهار سال فقرت نشود .

بعقیده بنده باید همان کاری را که همه دنیا و ممالک مشروطه میکنند ما هم بکنیم یعنی مطابق قانون اساسی رفتار کنیم .
قانون اساسی مادستور العمل داده باید بهمه اهالی بفهمانیم . خودمان هم قسم خورده ایم که قسری بالاتر یا پائین تر از این اصل نگذاریم . مالیات مملکت مالیات زمان نادر شاه افشار یا خاقان مغفور نیست . مالیات مملکت عبارت از معارجی است که ملت برای اداره مملکت خود می پردازد . گاهی از اوقات در زمان مشروطیت آن معارج زیادتر میشد چون برای رفع احتیاجات است اهالی هم بهمان اندازه با کمال میل خواهند پرداخت و هر وقت کم بشود کمتر خواهند پرداخت . این ترتیب یوسیده که از قدیم باقی مانده با ترتیب مجلس و مشروطیت تطبیق نمی کند یعنی مردم باید بدانند خوب باین مطلب دقت کنند که هر گاه پانزده روز به نوزده روز مانده بودجه مملکت ننگدشت نباید مالیات بپردازند . اهالی باید بدانند و کلاهی آنها و اشخاصی را که اختیار داده اند نظارت در ماله آنها بکنند چقدر از برای خرج عمومی تعیین کرده اند که باید بپردازند هر قدر تعیین کردند و طبع شد و در تمام دفاتر ماله ثبت شد دیگر رؤسای ماله نمی توانند احجاف کنند هر صاحب ملکی هر کسی که میخواهد مالیات بپردازد اول می آید در آن دفتر که و کلاهی او رأی داده اند و تصویب کرده اند نگاه میکنند و میبینند فرضاً برای مالیات کرمانشاه یا فلان قصبه چقدر و کلاهی اساله مالیات تعیین کرده اند . بودجه نمره دارد ماله باید قبض بشود بدیده . بلی صبح است مطابق آن نمره نگاه می کند و می بیند مجلس در تاریخ فلان رأی داده که فلان ده باید فلان قدر مالیات بپردازد یا فلان مالیات غیر مستقیم فلان قدر است آنوقت باو که نشان دادند مالیات میدهد زیرا اساس یوسیده مملکت از زمانهای قدیم باقی مانده و مثلاً يك ده اگر

بدیده تانه خراب شده ده مجاور باید بطور اجبار مالیات آنها را بدیم یا اگر يك وقتی آن ده چندین هزار خانوار داشته و حالا چندین نفر شده اند باز باید همان مالیات را بدیم یا اگر دهات جدیدی متولین مملکت تأسیس نموده اند باید مالیات دهند برای اینکه در جزو جمع اسشان نیست و بالاخره باید بعد از هفتده سال بکروزی بیاید که ما يك مشت بزیم و این اساس یوسیده را دور بیندازیم و راه را همانطوری که طی کنندگان راه مشروطیت و آزادی رفته اند برویم و آن موقع مهم و بزرگ برای مجلس روزی است که بودجه در مجلس بیاید بنا بر این بنده امروز بنا بر قسمی که در اینجا خورده ام خود را مجبور می دانم به وظایف خود عمل کنم چنانکه تمام آقایان هم خود را مجبور می دانند بوظیفه خودشان عمل کنند چنانکه کرده اند و می کنند باز تکرار می کنم که اصل قانون اساسی می گوید میزان مالیات را همه ساله مجلس شورای ملی با اکثریت تصویب و تعیین خواهد کرد و تا امروز که سال هفدهم مشروطیت است سه دوره هم مجلس داشته ایم و حالا دوره چهارم است هر وقت بواسطه يك مغضوراتی نتوانسته ایم در مسئله بودجه اقدامی کنیم و از این اصل صرف نظر کرده ایم حالا این دفعه این لایحه بودجه که می آید نمی دانم چطور بودجه است اولاً جمعش که مطابق قانون اساسی نیست یعنی بنده کمی خواهم مطابق قانون اساسی رأی بدم نمی دانم چقدر بیو کلین من تعجب می شود و نمی دانم معارج ضروری مملکت چقدر است این يك اعتباری است و بهر حال نمی دانم اسمش را چه بگذارم در صورتی که آقای شیخ الاسلام و آقای حاج شیخ اسدالله هم کدام صورتی قرائت فرمودند که جمع مملکتی بیش از این است و آقای شیخ الاسلام و حاج شیخ اسدالله می فرمایند موکلین ماها بیشتر از این مالیات می پردازند و از قلم انداخته اند اگر این پول را می دهند چرا بهصارف ضروری مملکت نباید برسد . اگر نمی دهند وزارت ماله تکذیب بفرمایند یا خود بنده چون نمی خواهم بخرابی ماله برگردم ناچار يك قسمت کوچک را عرض می کنم وقتی کمی آدم دیدم در کرمانشاهان سی هزار تومان مالیات مرتع میگیرند و هیچ جای این ورقه اسبی از اون نیست پس چگونه می توانیم رأی بدیم این مالیات باین ترتیب که صورت جزش را هم نمی دانم در رایورت کمیسیون ذکر شده که اگر ما میخواهیم صورت جزء بخواهیم شاید مدتی می گذشت واسباب خسارت دولت فراهم می شدند تعجب کردم زیرا قبل از مشروطیت هر حزب دفتری صورت جزء داشت و همین قدر که باو می گفتند مالیات فلانجا را بیکوفی الفور دست می انداخت و از دست فرمایش يك صورت بیرون می آورد و می گفت این مالیات فلانجا است این جمعش در مملکت ما نیست ؟ ما از مطلب يك قدری دور شده ایم برگردیم بدوره ناصرالدین شاه آیا آن صورت جزءها که در آن زمان بود در ماله ما نیست آیا وزارت ماله صورت جزء مالیات ولایات را نمی دانند اگر نمی دانند بنده هم وظیفه خود را نمی دانم رأی بدم مطابق این اصل قانون اساسی که می گوید باید همه ساله مالیات

مملکت را مجلس شورای ملی تعیین کند و صورت آنرا هم هر مستوفی می داند و حتی اگر کنترل بکنیم پیش هر حزب دفتری هست باید ببینیم جمع و خرج ما چیست در این صورت چطور ما می توانیم رأی بدیم مثلاً جمعی خسته را در اینصورت پنجاه هزار تومان تعیین می کنند اگر بنده کم و زیاد عرض می کنم معذورم زیرا حدس عرض می کنم در صورتی که بعد از خارج از قول نمایندگان معترفاً اشخاص دیگری شونیم نود و شش هزار تومان جمع دارد یا خراسان که جمع سال گذشته اش را بر ششصد هفتصد هزار تومان می شونیم در صورتی که در این صورت می بینیم دوست و بندگان هزار تومان نوشته اند بنده اگر يك چنین راهی را کور کورانه بدیم اگر خود را در پیشگاه ملت مقصر ندانم لا اقل قاصر میدانم یعنی می گویم بوظیفه نمایندگان خود که حفظ ماله این مملکت است عمل نکرده ام زیرا موکلین من پول میدهند و اشخاصی که مستحق هستند این پولها را حیف و میل می کنند یا که او را تو میوه یا تهر می نمایند و بهصارف این مملکت نمیرسانند موکلین من مرا از برای ابتکار معین کرده اند نه از برای کارهای دیگر اگر ماله مملکت درست شود همه کارها درست می شود بنده اینجا صحبت های دیگری میشنوم مثلاً می گویند مالیات لا وصول مانده یا اشخاصی که مالیات نداده اند کاسب و زارع و بیابارت آخری فقره بدبخت هستند اگر لازم است بنده چندین دفعه عرض آنها قسم می خورم که آنها دیناری عقب افتاده ندارند و بهتاویں مختلفه از بدبخت رعایا مالیات گرفته می شود به علاوه بطور قلق با شفاف مضاعف وزارت پولهای غیر مشروع هم از ضعفا گرفته اند پس این مالیاتهای لا وصول پیش کی است پیش اشخاصی که مکرر عرض کرده ام در موقع پرداخت مالیات مالیات خود را نمی دهند و در موقع امتیاز يك اردو لازم است که املاک آنها را حفظ کنند ولی در موقع مالیات هفت هشت کرور مالیات دولت را نمی دهند آنوقت ما این مالیات را لا وصول می گوئیم مملکتی که امروز فشنون نظامیش مرتب شده و روبرقی و تنظیم است کی است که بتواند در مقابل مأمور دولت خود نمائی کند و بگوید پول دولت را نمی دهم هر چند مستحق باشد نمی تواند باید هر کس مالیات را نداد مأمورین نظامی را فوراً بفرستند و از او بگیرند بنده لفت لا وصول را نمی فهمم و آنقدر اداری که وظیفه من است انجام بخرام داد و امیدوارم اکثریت هم با من موافقت کند و این را اول قدم مشروطیت می دانم مالیات از برای هیچکس فرقی ندارد بنده نمی توانم چنین چیزی را تصور کنم و کلامه لا وصول را اینجا قبول کنیم و این مطلب تصدیق بشود اصل نود و نهم می گوید غیر از موافقی که قانون صراحتاً مستثنی بداند هیچ عنوان از اهالی چیزی مطالبه نمیشود مگر با اسم مالیات مملکتی و ابائی و ولایاتی و بسایر این يك ظلمی است که نسبت بریت بدبخت میشود که از آنها بطور مضاعف و قلق و غیره می گیرند فقط تقصیرش این است که نمیدانند که واقعی این مملکت است و در مقابل آفتاب و سرما جان می کند زراعت و کسب می کنند و من فیر حق بيك اشخاصی می دهد که بهصرف آسایش و تزیینات خودشان برسانند یا بيك مأمورینی می دهد که حیف و میل می کنند برای يك مملکتی که

خرج معارف او بهر سری هفتاد دینار میرسد مملکتی که معلوم نیست نفری چندین باره معارج عدلیه را میدهند و در عدلیه او هر کس متول تراست زود تر می تواند طرف را محکوم کند و از این بدبخت رهیبت و اهالی بیچاره باوجود اینکه قانون اساسی تصریح کرده که در موارد مالیاتی تفاوت و امتیازی بین افراد ملت گذاشته می گیرند و معجز تر آنکه بهصرف آنها هم نمیرسانند و هر روز می گویند مایول نداریم و باید قرض کنیم و حقوق ادارات را بدیم اگر این پولها وصول نشود افرات تصور نشود سه یا چهار برابر این بودجه حاضره ما مایندی خواهیم داشت بهر حال این بودجه نیست و بيك اعتبارانی است و اگر يك قدری خارج از نیاز است نباشد می گوئیم احتیاجات تام و تمام است که بهوزراه میگوئیم بروند و در حدود این اعتبار هر چه می خواهند بکنند و ما خود ما را خوشحال می کنیم که بودجه دوم تر به مجلس پیشنهاد می شود بنده باز در اینجا تکرار می کنم که اولاً آوردن جزء جمع از وزارت ماله باندازه سوار شدن يك اتومبیل و بآن وزارتخانه رفتن بیشتر کاری ندارد زیرا همان دفاتر سابق را می آورند و گمان می کنم جزء جمع های سابق هم چندان فرقی نکرده باشد آن جزء جمع ها در وزارتخانه ها موجود است وقتی که آوردند بنده و سایر و کلامه جزء جمع ما را می بینیم و خواهیم دید که مایندات ما بیشتر است و تهر بودجه وزارتخانه ها هم هیچ اشکالی ندارد زیرا هر وزیر می تواند باطابق خودش رفته يك قدم و يك پارچه کاغذ بردارد و از اول قاعده تشکیلات وزارتخانه خودش را بنویسد آن وقت می بیند کدام را لازم دارد و کدام را لازم ندارد بعد صورتش را می آورد اینجا ما هم رأی می دهیم در آن صورت اول قدم را برای اصلاح برداشته ایم ثانیاً این بودجه باورق پارچه که بنده نمی دانم اسمش را چه بگذارم اینجا آورده اند و در روی آن تقسیم بندی کرده اند

مثلاً وزارت فوایدخانه فلان مقدار و فلان وزارت خانه فلان مقدار و برای هر کدام بيك تقیسی معین کرده اند خوب آقا اگر ما باین ترتیب رأی بدیم بهمین کار ابقای وظیفه خود ما را کرده ایم بطور صریح عرض میکنم خیر زیرا مشروطیت چیزی نیست که ما معتبر و معتبر آن باشیم اساسش در همه جای دنیا هست با مختصر تغییر و تبدیلی فرضاً هم که ما جزو جمع و معارج را بدیم آنوقت نظارتی که مادر ماله می کنیم چه خواهد بود در همه جای دنیا ترتیبات قانونی غیر از این است همین اندازه که ما و رفقای سفیدمان از زود در ظرف رأی انداختیم و اکثریت مجلس تصویب کرد آقایان وزراء فوری میروند بعد هم اگر مجلس فرضاً سؤالی بخواهد بکنند بيك ده هفته عقب می اندازد و تشریف نمی آوردند فرضاً که ما پول ملت را داریم آقایان خرج کنند خیلی هم خوب خرج کردند ولی ما باید نظارت داشته باشیم سابقاً بيك مختصری از این یعنی بيك کمیسیون تطبیق - و ابائی داشتیم و این کمیسیون تطبیق حوالجات وظیفه اش این بود که وزیر

وقت مرخصتهای که میکنند و بآنجا میفرستند رجوع کند اگر مادر مشروطیت میخواهم تازه بيك اختراعی بکنیم امری است علیحده والا وزیر به پیشنهاد خود نمی تواند پول بگیرد باید ما فکر کنیم که مشروطیت ما موافق کدام نقطه دنیا است اگر مطابق اساسی همه دنیا است باید در ماله حق تقشیش داشته باشیم وزیر با تصویب نامه نمی تواند پول بگیرد باید کمیسیون تطبیق حوالجات که از طرف مجلس ناظر اوست به پیشنهاد پولی را که وزیر می خواهد بگیرد در کدام بودجه تصویب شده در سایر جاهات تیب دیگری است بنده که از مملکت بخارج نرفته ام بیجا و از وضع خارج هم اطلاع ندارم ولی از قرائی که هفتدهام در انگلیس بيك نفر کنسول ژنرال از طرف مجلس مأمور است که در تحت مسئولیت و زراعت نیست که هر چه وزیر ماله امر کند مجبور باطاعت باشد . . .

يك شخص است که در مقابل وزیر عزل و نصب او هم با وزیر نیست با مجلس است

وزیر برای او تقاضا مینویسد که مطابق فلان ماده قانون مصوبه مجلس شورای ملی مورخه فلان من باید فلان خرج را بهصرف برسانم او هم مراجعه می کند اگر مجلس آن رأی را داد امضاء می کنند والا بدون امضای او و وزیر انگلیسی بيكشاهی نمی توانند بگیرند و لواته آن وزیر طرف اعتماد دولت مجلس هم باشد حالا آیاماً با این نظارت مجلس را الفاه می کنیم ؟ بنده نسبت به هم خود عرض میکنم خیر بيك کمیسیون تطبیق حوالجات داشتیم و بيك قدری شبیه بآن بود که اساسش را در هم شکسته و بيك کمیسیونهای دیگر درست شد که در تحت اطاعت و اوامر وزیر شد و سوء تفاهم نشود بنده در این موضوع راجع بیگفتی وعدم کفایت اعتماد وعدم اعتماد نسبت بيك وزیر صحبت نمی کنم .

خیر بنده کتاب نمی خوانم شاید بعد موافقین بگویند فلانکس وقت مجلس را تلف کرد و کتابخانه خیر بنده وظیفه خود را میدانم و برای اینکه از اینجا بنام موکلین خود خبر بدیم و تمام را مطلع کنیم عرض میکنم بيك قسمت از مشروطیت را که بنده فهمیده ام اینست ترتیب مالیات و بودجه منظور است این موقع است که بنده مجبور بوظیفه خود عمل کنم خواه کتاب قرض کنند خواه کنفرانس بخواهند چیز دیگر خلاصه عرض بنده راجع باین نیست که وزیر طرف اعتماد هست یا نیست .

در سایر ممالک دنیا وزرائی که بر حسب رأی دولت یا با اتفاق آراء و کلامه مجلس تصویب میشوند با این شخص و این نظارت هست . برای اینکه به پیشیم این پول درست بهصرف خود میرسد یا نه .

بنده از کجا باید مطلع شوم که این پولها بهصرف خود رسیده . مثلاً این پانزده هزار تومان که برای سد جابجاء تصویب کردیم از کجا باید بدانیم حتماً برای سد جابجاء خرج شده .

من بيك رانی دادم تمام شد و رفت دیگر کجا آقای وزیر را پیدا کنم به پیشیم پول را مطابق رأی من خرج کرده یا نه .

بلی در مملکت ما يك كميسيون تطبيق حوالجات بود كه ازين رفت و روزهام بصادق فعل مایشاه ويسكم مايريد شدند . قسمت دوم

راجع به حسابات است يا مواد قانون اساسي فراموش شده و به مقتضيات اجازه تشكيل ديوان محاسبات را نمي دهد بمذايكنه وزير القرض اين يول را گرفت و كلای ملت هم رأي دادند آيا ممكن نيست وزير كثر خرج كند ؟ از كجا من بفهم اين يولي را كه تصويب كرده ايد تمام بمصرف رسیده خوب است آقا يان بفرمايند كه بنده هم بدانم اين يك چيزي است كه قبل از مشروطيت هم ترقيش معلوم بوده در زمان سابق هم يك وزير بقايا بود يك حاكم يا يك مأمور ماليه وقتي يك يولي را خرج مي كرد حسابش معلوم بود و ممكن نبود بگذارند پيش كسي ياقا بماند مثلاً در زمان ناصر الدين شاه مستندالوله كه مومي شاه هم بود دوازده هزار تومان باقي داشت شاه بگيرتبه آن ماليات را بلون بخرشيدنتهي سال بسال بعنوان عيني وغيره سالي هزار تومان بساو بخشيد در زمان قبل از مشروطيت با اينكه ترتيب و قانوني در بين نبود باينطور رفتار مي كردند ولي در زمان مشروطيت كه به عبدالله تعالى عداوت سرتاسر مملكت را فرا گرفته . ماو كلاني كه در پشت اين ترقيون قسم خورده ايم كه مادام كه حقوق مجلس و مجلسان مطابق قانون اساسي محفوظ و مجري است حافظ قانون اساسي باشيم بايد به نيتيم مطابق اين قانون اساسي ديوان محاسبات بمساز هفده سال كجا است ؟ اصل صدويكم و صد و دوم ترتيب ديوان محاسبات را معين مي كند . در اصل صدويكم مي نويسد : (اعضاي ديوان محاسبات را مجلس شوراي ملي براي مدتي كه به موجب قانون مقرر مي شود تعيين خواهد نمود) اصل صد و دوم مي نويسد : (ديوان محاسبات مأمور به ماينه و تفكيك محاسبات اداره ماليه و تفريق حساب اكليه محاسبين خزانه است و مخصوصاً مواظب است كه هيچ يك از مقررات مخارج معينه در بودجه از ميزان مقرر تجاوز ننوده و تغيير و تبديل نپذيرد هر وجهي در محل خود بمصرف نرسد . و همچنين به ماينه و تفكيك محاسبه مختلفه اكليه ادارات دولتي را نموده اوراق و اسناد محاسبات را جمع آوري خواهد كرد و صورت اكليه محاسبات مملكتي را بايد باضام ملاحظات خود تسليم مجلس شوراي ملي نمايد) خوب باين ماده اگر حمل كنيم ببنده بدانم يك ديوان محاسباني هست آنوقت در موقع رأي دادن با جرئت ورقه مفيد را مي آوردم در ظرف مي اندازم زيرا آنوقت مي دانم اين رأيي كه من داده ام صحيح و از روي دقت بوده . ما اگر ديوان محاسبات داشتيم محتاج بتكميل كميسيون براي رسيدگي به حساب صندوق كجا و كجا . . . نبوديم بملامه من نمي دانم اين اصول قانون اساسي كه در تمام دنيا معمول است به ترتيب من قانع شوم كه اين مواد يكي بمذاي ديگري مسكوت عنه بماند ممكن است بعضي از آقا يان موافقين يا مضير معتزم به بنده بفرمايند مگر در اينست قانون اساسي را فراموش كرده بوديد باين واسطه بنده قبلاً جواب آنرا عرض مي كنم نااين است كه تقصير را بنده تنها كرده باشم هم غريبك هستيم و بالاخره

بمذاي هفده سال ما بايد هم يك روزي نظري باين قانون اساسي بكنيم بنده آنروز را امروز مي دانم كه اين تقصير را بمذاي اين متوجه بنده ندانند خود اين ماده قانون اساسي يكي از اصول مشروطيت است بالله تعجب درجا هاي ديگر هم قانون اساسي هست چرا جز او كلا تعطيل بر دار نيست ؟ ماليه كه اولين مسئله مهم مملكت است اوضاعش اين است ؟ بسيار خوب بر گرديم بمسئله بودجه مصوبه در صورتيكه اول عرض كردم مطابق آنچه اينجا ذكر شده اسم اين ورقه قانون بوده است اين فلسفه را بنده منتقل نمي شوم چه كنم بطئي - الانتقال هستم . در اينجا مي نويسد اگر ما بخواهيم منتظر شويم كه بودجه هاي جزء ادارات برسد بمالتي ضرر مملكت خواهد بود ما كي با ادارات يول مي دهيم شش هفت ماه است كه بهيج اداره يول نداشته ايم اگر دوهفته هم صبر كنيم و بودجه درست كنيم كه مرعات قانون هم شده باشد كدام خسارت به مملكت وارد مي آيد ؟ آنوقت مردم هم مي دانند چه بايد بدهند و از اين اجغافات هم كه حاليه معمول است حتى الامكان جلو گيري ميشود در هيچ كجاي دنيا بودجه را باين ترتيب تقسيم بندي نكرده اند فقط فلسفه كه قائل شده اند اين است كه مي - فرمايند كسر بودجه داشتيم و خواستيم عايدات گذشته را مآخذ قرار دهيم و آنرا با ادارات تقسيم بكنيم بنده باز تكرار مي كنم اين عايداني كه در سال گذشته صورت داده اند بطوري كه آقاي شيخ الاسلام و آقاي شيخ اسدالله شرح دادند عايدات اصلي مملكت نيست عايداي اصلي مملكت ما كجا رفته ؟ اگر عايدات مملكت يك برابر بيش از اين نباشد حتماً نصف زيادتر است پس موقعي كه جزو جمع بر ما مجهول باشد نمي - توان تقسيم به نسبت هم قائل شد . بنا بر اين عايدان خرج راهم فرضاً اجازه بدهيم كه وزراء از روي آن بودجه بنويسند صحيح نيست . زيرا اول بايد قسمت جمع معلوم شود چنانكه در همه جاي عالم معمول است در باب جزئيات بودجه هم عرض مي كنم آيا در تمام دنيا بودجه را مطابق ضرورت و احتياجات مملكتي مي نويسد يا آنكه مطابق هر چه دارند ؟ البته درهمه جا بودجه مطابق ضرورت مملكتي نوشته ميشود و زيري كه مسئوليت را قبول مي كنند دوست مي بينند كه براي ترقي و سعادت مملكت چه چيزها لازم است يكي يكي را دقت مي كنند و پس از آن مطابق آن احتياجات يك بودجه تهيه مي كنند بسيار خوب عرض مي كنم ما مطابق آنچه داريم بايد بودجه بنويسيم كه محتاج تعرض نشويم ولي اول بايد بسنجيم و بفهميم آنچه داريم چقدر است و كاري بكنيم كه تفریط نشود نه اينكه از يك طرف بگويند عايداي فلان جا درست و پنجاه هزار تومان است . از طرف ديگر گفته شود هفتصد و پنجاه هزار تومان است و هم بطورجاي ديگر را بگويند پنجاه هزار تومان عايداي دارد از طرف ديگر باز گفته شود خير نود و شش هزار تومان عايداي آنجا است بنده خودم در موقعي كه از كرامت شاه مي گذشتم ديدم سي هزار تومان ماليات مرتب آنجا را مي گيرند كه بجمع نياورده اند الان تلگراف كنيد آن شخصي كه اجازه كرده حاضر است و از او تحقيق بشود در اين

مملكت غالب مأمورين دو برابر سوه برابر ماليات از مردم مي گيرند ما چرا بايد خودمان را بزرگوار بپندازيم . بنده كه اين را نمي پسندم از اين گذشته اشخاصي كه بودجه را مي نوشند لاف اهل خوب بود براي پيشرفت كارهاي اين مملكت در خصوص معارف و عدايه يك نظرياتي مي داشتند اگر بنظر غريب نيايد بايد عرض كنم كه هنوز پروگرام دولت ب مجلس نيامده است زيرا قسمت اعظم پروگرام راجع با مومراليه و تعديل بودجه و جمع خرج است . علاوه وقتي كه اين قانون اساسي را از براي ما مي نوشند يك آرزو هائي داشتند كه مالا اقل بايد آنها را در نظر بگيريم . اينكه آقاي مخبر فرمودند هر كس در خانه نهفتن يك نمك معارفي ميايد بنده هم بخوام يك نمك معارفي بيايم در قانون اساسي راجع بتأسيس مدارس يك ماده نوشته شده كه بنده هايد معني آنرا منتفت نمي شوم هفده سال قبل كه قانون اساسي را مي نوشند در اصل نوزدهم آن نوشته اند :

تأسيس مدارس بخارج دولتي و ملتي و تحصيل اجباري اشخاصي كه در هفده سال قبل اين قانون را نوشته اند تحصيل اجباري را براي حالا پيش بيني كرده بودند در اين ماده مي نويسد (تحصيل اجباري بايد مطابق قانون وزارت علوم و معارف مقرر شود و تمام مدارس و مكاتب بايد در تحت رياست عاليه و مراقبت وزارت علوم و معارف باشد) حالا ببينيم راجع بتحصيل اجباري چه قدمي پيش رفته بسا خواهيم رفت بنده مطابق حسابي كه كرده ام براي خرج وزارت معارف بهر بديت ايراني دوسال كه سيصد و شصت و پنجروز است هفتاد ديتار ميرسد اين مخارجي است كه كميسيون بودجه براي معارف تصويب مي كنند بقول آقاي وزير علوم وقتي كه در پروگرام صحبت بود مي فرمودند اميدوار هستم باين مساعدتي كه آقا يان در پروگرام راجع بمعارف مي فرمايند در موقع تصويب بودجه هم بزرگواري بفرمايند و مثل دولتي كه كاملاً متمول هستند راجع بمعارف رأي بدهند . بنده هم حالا همانطور استدعا مي كنم از مالياتي كه اعيان و متولين و اشخاص بزرگ كه نميدهند و همان ماليات هاي لا و صلور را بتوسط مأمورين و ادارات معظي كه يك قسمت آنرا حلال داريم در آتية نيز تكميل خواهيم كرد وصول كنند بكنه قدرتي از آنرا صرف معارف كنند ببنده بنده هر كس بهر مقام كه باشد و ماليات نمي دهد بايد او را گرفت و جيس كرد و ماليات را از آنها گرفت و باز هم تقاضا مي كنم كه از هدين ماليات هاي لا و صلور وصول نمايند سوه تفاهم نشود و نگويند فلانك فشار مي آورد كه استقرار شود استدعا مي كنم آقا يان بزرگواري بفرمايند و شصت هزار تومان براي معارف تصويب كنند باز هم عرض مي كنم سوه تفاهم نشود بنده نيم خواهم يك اداره يراز ميز و صندلي در وزارت معارف و مقابل حالا تأسيس شود خير اينطور نيست اين شصت هزار تومان كه عرض كردم وكي بدهند براي نهج مدارس است و وقتي حساب بكنيم با اين شصت هزار تومان هم در سال بهر تفريري دوست ديست ديست بزرگوار بفرمايند الان تلگراف كنيد آن شخصي كه اجازه كرده حاضر است و از او تحقيق بشود در اين

بفرمايند اما بتوانيم بگوئيم وزارت علوم بايد قدم بطرف ترقي و سعادت پيش ميرود شهر هاي عده مسا هنوز قدرت ندارد تا چه رسد بقصبات و دعوات اوضاع مدارس ما باين است حال ساير جا ها معلوم است باز هم در باين عرض كنم كه اجابا تصحيح شده است شايد بمدها گفته شود كه خيلي مصر و پر حرف است عرض مي كنم بايد يك كاري كرد و مجلس بايد يك سياسي را در نظر داشته باشد كه اساسش بر تمام وزارت خانه ها محترم باشد و سه وزارتخانه هست كه بايد از تمام وزارتخانه ها بيشتر در نظر باشد البته اول امنيت و نظام و ژاندرمري است بعد عدالت است عدالت بايد در مملكت مجاني باشد عدايه اداره عايداي نيست زيرا وقتي يك فقير بپيچاره با يك نفر شخص متمول طرف مي شود اين فقير بپيچاره نمي تواند از حق خود استفاده كند حالا گر خراي هاي ديگر هم داشته باشد كار ندارم آن خرايها را بايد قانون درست كند اگر يك شخص فقير بپيچاره رحمت يا كاسب يا حمله يا يك كسي كه پنج مليون داراي داشته باشد دوست نفر نوكر داشته باشد و عدايه هم خيلي حسابي باشد طرف بشود بايد ببنده كسي آيد يول تير بدهد يول استيفاء بدهد حق و كبل بدهد اين بديت فلان زده از كجا پيدا كند چون يول ندارد حقوقات رسمي را نمي تواند بپردازد ولي آن شخص غني البته يول دارد و بكي مي دهد باستيفاء مي دهد ببنده مي دهد و حق آن شخص فقير را بپايد مي كند تا آن شخص فقير توبه كند و هر وقت پاو گفتند يك شخص يولدار يا تو طرف است بگويد نموزينه اگر سرداري را نبرده است سهل است بيل و كلنگ خود را دم تقديم آقاي اربابي كنم كه دست از من بردازد اين است كه عرض مي كنم عدايه اداره عايداي نيست عدايه بايد مجاني باشد اين جزء آرزوها و امال بنده است و گمان مي كنم كه بكنم از آقا يان هم باين موافق باشند عدايه بايد در مملكت مجاني باشد تا فقراء بپيچارگان نتوانند احقاق حق خودشان از مقابل اغنياء و سرمايه داران بكنند باز هم بطور واضح عرض مي كنم تاد عدايه يول تير و ده يك و ده ايم و حق و كبل و ساير ترتيبات معمول باشد ابتدا يك بديت فقير نمي تواند بحق خودش برسد و هميشه فشار سرمايه داران و فشار صاحبان متول آنقدر او را باينطرف و آنطرف و بديت و استيفاء مي كند تا اينكه حكم به اجرا يرد و وقتي هم كه با چرا رفت بنا بر امار كيني وزير كه اين شخص با من نوم و خريش است و يول دارد كالسكه و اتومبيل دارد و من متوقعم فردا در جاي ديگر بن كاك كنم سكسك آن بديت فقير متوقعم الا جاني مي ماند بپيچاره و بديت رحمت اگر چه خارج از موضوع هم باشد عرض مي كنم آن بپيچاره كه سالهاست از كامران ميرزا شكايت دارد و متمول دوندگي مي كند بالاخره دست او بكنجا بسته شده براي چه بايد اينطور باشد البته كارمان مه زادر استيفاء و تير و ساير جاها را بكنيل زير دست و يول زياد با ترتيبات مختلفه همجا طرف هاي فقير خود را محكوم مي كند و آنقدر نوي سرش مي خورد تا بفهمد مشروطه چه چيز است تا بكنم رجوع بقانون اساسي بكنم و بفهمد كه بايد حافظ قانون اساسي باشد و بالاخره خودش يعني حق را بداند اين از كجا پيدا ميشود

البته از موارف اين است كه ما متصل نمك معارف مي باشيم و داد معارف مي زنيم كه مدارس ابتدائي مجاني بايد تأسيس شود تحصيل اجباري بايد باشد تا بديت رحمت و ضمهاء دسترسي داشته باشند اطفال خود را بمدراس بفرستند ولي متأسفانه عرض مي كنم بپيچاره فقراء هميشه محكوم و نوي سري خود خواهند بود و همچوقت بهيج جا نخواهند رسيد و تا عدايه مجاني نشود بهيچ وجه نمي توانند در مقابل متولين از حق خود استفاده كنند و هر چه دست و پا بزنند نقش بر آب است و مثل غريبي هستند كه بهر خا و خاشاكي متوسل مي شوند اين است كه بنده استدعا مي كنم يك فكري از براي شهرها و دهات اين مملكت در خصوص معارف بشود زيرا اگر معارف داشته باشيم معظي خواهيم بود كه بهيج سبلي اساس مليت ما را از بين نخواهد برد ولي اگر معارف نداشته باشيم مدرسه نداشته باشيم اگر مردم بحق خودشان از راه مدارس مطلع نشوند معظي باشيد كه بهيج قسم و كبل با حارت و پا گفتن يا مرك بسا استقلال مملكت حفظ نخواهد شد اين است كه بنده عرض مي كنم آقا يان براي معارف سم كنند . من طرفدار پشت ميز و صندلي نشينان نيستم آنها بهر كفايت هستند بلكه اگر با ساير ادارات مثل ماليه و غيره مقايسه كنيم شايد در وزارت معارف صندلي نشين هم كثر باشد ولي مقصود من مدارس مملكت است تا بودجه معارف ما از مليونها بالا نرود ما يوس باشيد كه بحق خود نخواهيد رسيد زيرا وقتي مي توانيد بحق خودتان واقف شويد كه بتوانيد تير حق را از باطل بدينه و الا خوب ميدانيد در هر جا در موقع انتخاب هم رحمت بپيچاره از اربابي كنم كه دست از من بردازد اين است كه عرض مي كنم عدايه اداره عايداي نيست عدايه بايد مجاني باشد اين جزء آرزوها و امال بنده است و گمان مي كنم كه بكنم از آقا يان هم باين موافق باشند عدايه بايد در مملكت مجاني باشد تا فقراء بپيچارگان نتوانند احقاق حق خودشان از مقابل اغنياء و سرمايه داران بكنند باز هم بطور واضح عرض مي كنم تاد عدايه يول تير و ده يك و ده ايم و حق و كبل و ساير ترتيبات معمول باشد ابتدا يك بديت فقير نمي تواند بحق خودش برسد و هميشه فشار سرمايه داران و فشار صاحبان متول آنقدر او را باينطرف و آنطرف و بديت و استيفاء مي كند تا اينكه حكم به اجرا يرد و وقتي هم كه با چرا رفت بنا بر امار كيني وزير كه اين شخص با من نوم و خريش است و يول دارد كالسكه و اتومبيل دارد و من متوقعم فردا در جاي ديگر بن كاك كنم سكسك آن بديت فقير متوقعم الا جاني مي ماند بپيچاره و بديت رحمت اگر چه خارج از موضوع هم باشد عرض مي كنم آن بپيچاره كه سالهاست از كامران ميرزا شكايت دارد و متمول دوندگي مي كند بالاخره دست او بكنجا بسته شده براي چه بايد اينطور باشد البته كارمان مه زادر استيفاء و تير و ساير جاها را بكنيل زير دست و يول زياد با ترتيبات مختلفه همجا طرف هاي فقير خود را محكوم مي كند و آنقدر نوي سرش مي خورد تا بفهمد مشروطه چه چيز است تا بكنم رجوع بقانون اساسي بكنم و بفهمد كه بايد حافظ قانون اساسي باشد و بالاخره خودش يعني حق را بداند اين از كجا پيدا ميشود

با سه چهار ماليات غير مستقيم ديگر كه در اين مملكت عايدش تقريباً قريب بمصرف است عايداي همي است و بديتانه تير يك كشتا در مملكت اكثريت دارند .
محمدهاشم ميرزا . . . خيرات دارنده
ساير همان دورزا . . . بسيار خوب . . . اگر اقليت داشته باشند خيلي بهتر است بنده هم آرزويم هين است كه در اول اقليت باشد هر چه كثر باشد مملكت خود تر و بترقي ميرود ولي بديتانه خيلي زياده هستند و سبكار و توتون و تنباكو را كه هبه مي كنيم و ديگر اقليت و اكثريت در آن نيست هين ماليات و عايدات و بعضي ماليات هاي غير مستقيم از قبيل تعديت و مستغلات لاف يا اندازه عايداي گيرك بايد عايد داشته باشد و البته اگر اينها مرتب و منظم باشند پيش از كيرك عايد دارند .
اما وقتي كه براي هريك از اين ها يك اداره معظي معين شود نه اينكه جزو ماليات مستقيم باشد و حساب آنرا خوب نفهميم و اگر در دست اداره كنيم ده دوازده كرو عايداي خواهيم داشت وقتي كه اين عايدات را درست جمع كنيم و بمصرف ضروري واقعي مملكت كه از آنجا معارف است برسازيم ميتوانيم بگوئيم دو بترقي ميرويم .
اما بنده متأسفانه مملكتي كه در هر كوش هفت ماه حقوق معظي را نتواند بپردازد و اسفا در صورتی كه ده دوازده هزار تومان حقوق يك پيش نيست شده چگونه ميتواند ترقي كند ؟ و در اين مملكت اطفال يكي بسواد و محكوم ديگري خواهند شد و بالاخره محكوم بضعلال (كه خدا كند) ميشوند باز هم كروا عرض مي كنم اگر آقا يان امضاء كميسيون بودجه معارف را بشصت هزار تومان برسانند بنده كمالت امتنان را دارم .
وزير ماليه . . . بنده اگر بخوام در اين لايحه صورت جمع و خرج بودجه خيلي توضيحات بدهم و ترسم اشپب هم وقت بگذرد و آن شرافتي را كه اكثريت مجلس مي خواهند حاصل كنند در اثر حاصل شود و يك ضروري موات برسد و واضح است كه اقليت نمي خواهد اكثريت يك كز شوي بكنند و ر وقت اكثريت يك كزار خوب بكنند معصود اقليت واقف مي شود .
اين اوليه دفعه است كه بعد از چهار سال صورت جمع و خرج مملكتي به مجلس شوراي ملي آمده است و اين اوليه دفعه اقليت كه مي خواهند آن مخارج گزافي كه بشصت خاتمه دهند و آنها را در تحت يك حدودي اداره كنند . مرا از اين ضرورت كه از عايدات مجلس شوراي ملي داده شده اين نيز كه ميزان حقيقي باشد تا مطابق اصل بود و ششم قانون اساسي ميزان ماليات و مجلس شوراي ملي تصويب كنند البته همه ميدانند خزانه مملكت ته استفتش را هر چه بخواهند تصور كنند . زمستان ان امروزه مسئول كارهاي گذشته نيستند اينها با كروزي بكار رسيد اند كه صندوق خزانه را با اين حال مي بينند معجزه معجزه نمي توانند بكنند كه صندوق خالي را فوراً يراز يول كنند . در مملكتي كه جمع و خرجش

تعادل نسکند یا بنیاد از خرجش کم کرد باید بر عایداتش افزود راه کم کردن خرج امروز برای ما عملی تر بوده و ما هم امروزه آنرا را پیش گرفته ایم و خرج خودمان را تعیین میکنیم و اگر صورت جمع هم نوشته شده است مراد صورت جمع حقیقی مملکت نیست زیرا هیچ صورت جزئی داده نشد که نشان مالیات باشد بگوید صورتی را که شما مجلس کرده اید چه زمان تومان نوشته شده و من که باید ششصد تومان بدهم چون شما مجلس چهارصد تومان پیشنهاد کرده اید اینجا هم همان چهارصد تومان را خواهیم داد قصد در این بوده است يك سورتی که علی باشد اما قرارداد داده شود نخواسته ایم با صورت هایی که حقیقت نداشته باشد مثالی شویم و بگوئیم عایدی ما ۵۰۰ کروار است.

عائسی ده سال گذشته بدولت رسیده و بهندون دولت وارد شده پس از وضع دستبرد سورت که تصور میکردیم ما آنها را معین کردیم و گفتیم پارسان این عایدی ما بوده و ما آن بدهیم البته کمتر از این خواهد بود برای اینکه این عایداتی که ما رسیده ت قبلی است و تخمینی نیست که حقیقت نداشته باشد عایدات فضولی و ارسال را ما هم قرار میدهم و بعداً تصدیق میکنیم که عایدات مملکت همین است که آنجا نوشته شده البته باید مملکت ترتیبی پیدا کند و تشکیلات وزارت مالیه صورتی پیدا کند که مالیاتها و سورت و سبیه از سرف و دستبرد معین بماند و آنها را و دیان مالیات گرفته میشود کاملاً بهندون دولت وارد شود ولی این ترتیبی که ما میگوئیم مربوط به وزارت و اگر ما بخواهیم این ترتیب را اصلاح کنیم بنگار که سهول است در سه سال هم موقع نمی شویم همیشه ما اموز خواستیم به بین عایدات ما چه بود که مخارج را مطابق آن صورت دهیم.

بنابراین ما عایدات سال قبل را ماخذ گرفتیم. چهارم این ترتیب یعنی از روی عایدات سال قبل بودجه را میگویند و آنرا از روی عایدات (میکویند یعنی عایدات سال قبل را ماخذ بودجه سال بعد قرار میدهند و ما هم میخواهیم با این ترتیب که بگوئیم خودمان دراز کرد یعنی میخواهیم خرج مملکت را طوری تعیین کنیم که عایداتشان بیشتر نباشد البته اگر سعی و کوشش کردیم و عایدات لاوصولی خودمان را وصول کرده و دست آوردیم چه بهتر با آن عایدات می توانیم کارهای خوبی بکنیم و اگر فرضاً خودمان ترجیح و شدت نسیم آنها را وصول بکنیم اخلاطی را باشد که مخارج ما در آن عایدات تحقیقی تجاوز نکند این بود که در روی این زمینه گفتیم بودجه بر حسب آن باشد که در مجلس گذشته بود با هیئت دولت و وزارت مالیه چندی جلسه مذاکره کردند و اول نظریه کمیسیون این بود که بودجه های جزء مملکت را بیاورند مطابق کنند و مطابق آن صورتی تشکیل دهند و مجلس پیشنهاد کنند. این مسئله نه عملی بود و نه برای مملکت مفید بود چرا جهت اینکه بودجه که امروز نوشته شد فرض بفرمائید من در وزارت مالیه بخواهم بودجه بنویسم و بر سر زمان تهیه کنم این بودجه می نویسد بود و باید فکر کنیم این بودجه می نویسم یا

تشکیلات جدید مطابق کنند و از آنطرف بدین دور سال هفت کروار مطابق بودجه بچی بیل کسر داریم هفت کرواری که در کمیسیون بودجه پنج کروار کم شده است اگر اگر این پنج کروار تقسیم کنیم روزی هفت هزار تومان خواهد شد و هر قدر بودجه زودتر بگنجد روزی هفت هزار تومان خواهد شد و هر قدر بودجه زودتر بگنجد روزی هفت هزار تومان از ضرر دولت کسر بشود و اینست که نماینده معتمد فرمودند حالا که حقوق و وزارتخانه ها داده نمیشود بنابر این خوب بود از روی صورت جزء بودجه را می نوشتیم این حرف کاملاً از روی بی اطلاعی است زیرا وقتی دولت بهستخدامین خودش گذشت از این تاریخ باید بتواند قدر میدهم اگر هفت سال هم میگنجد خودش را آن شخص دائر مبدان و هر وقت دولت بخواهد او را خارج کند باید بهمان اندازه حقوق که برای او معین کرده باو بدهد و هر قدر بودجه دیر تر بگنجد روزی هفت هزار تومان ضرر خواهیم داشت

بنده تصور میکنم این شرافتی را که امروز مجلس شورای ملی میخواهد تحصیل کند اگر این کار را بکنیم های سابق کرده بودند ما امروز مجبور نبودیم باید شرایط استقلال کشی دستان را پیش اجاب دراز کنیم و البته يك مملکتی که پول ندارد مجبور است از اجانب استقراضی نسازد مجبور می شود در مقابل قرض هر شرط سنگینی را بپذیرد که اینست که تا بچال هر وقت کسی بولی باین مملکت قرض داده است یا خرج هایی تهیه شده که آن پول ازین گرفته یا در مقابل آن یک چیزهایی از ایران گرفته اند

این مسئله مثل آنالک و صاحبخانه میباشد که بودجه اش درست نباشد و بگوید من آدمی هستم مستقل و البته آدم فقیر نی توانم بگویم من مستقل هستم زیرا وقتی که احتیاج پیدا کرد احتیاج استقلال او را ازین می برد و اینجهت لازم است هر چه زودتر باین مسائل خانه داده شود و از خرج جاو گیر بشود و نه می دانید از برای شخص بنده اینجا خیلی مضر است ولی برای مملکت مفید است و چیزی را که برای مملکت مفید باشد من بر منافع شخصی ترجیح میدهم شخص بنده میبایست تجاوز از يك ملون از بودجه وزارت مالیه کم کنم البته با این حال طریقت دارد دشمنی دارد فحش دارد و بالاخره همه چیز دارد ولی این مسئله برای مملکت مثل آن دولتی می ماند که حکیم برای علاج بوریس میدهد

پس هر روز از خانه هر چه کمتر بگیرد بهتر است تا استقلالش پایدار باشد و همیشه بتواند بگیرد بهتر است نه اینکه زیاد بگیرد و يك روز بگیرد ما از روی این فلسفه داخل این جزء جمع نشدیم و خواستیم جمع را تصویب کنیم فقط خواستیم تعیین کنیم که عایدات ارسال ما که بهندون مالیه وارد شده بقدر بود وزارت مالیه اگر بخواست عوام قرضی کند ممکن بود يك عایدات ما و بوسی ما و بوسی برای مملکت بنویسد و عوض بیست و دو ملون خرج هم بیست و پنج ملون می نوشت میگفت ۵۰۰ میلیون اضافه بر خرج می

مانند آنوقت میگفتند هیچ وزارت مالیه جدی داریم که در ظرف ذیل مدتی اینطور ترتیب مرتب شده ولی بعد از آنکه شش ماه می گذشت و حقیقت مطلب کشف می شد که برخلاف واقع بوده است ما میخواستیم کاری بکنیم که خلاف حقیقت نباشد بنابر این عایدات سال قبل را ماخذ قراردادیم و بعد از آن مخارج خود را معین کردیم بدین هفت کروار کسر داریم و هر قدر بودجه زودتر بگنجد روزی هفت هزار تومان از ضرر دولت کسر بشود و اینست که نماینده معتمد فرمودند حالا که حقوق و وزارتخانه ها داده نمیشود بنابر این خوب بود از روی صورت جزء بودجه را می نوشتیم این حرف کاملاً از روی بی اطلاعی است زیرا وقتی دولت بهستخدامین خودش گذشت از این تاریخ باید بتواند قدر میدهم اگر هفت سال هم میگنجد خودش را آن شخص دائر مبدان و هر وقت دولت بخواهد او را خارج کند باید بهمان اندازه حقوق که برای او معین کرده باو بدهد و هر قدر بودجه دیر تر بگنجد روزی هفت هزار تومان ضرر خواهیم داشت

بنده تصور میکنم این شرافتی را که امروز مجلس شورای ملی میخواهد تحصیل کند اگر این کار را بکنیم های سابق کرده بودند ما امروز مجبور نبودیم باید شرایط استقلال کشی دستان را پیش اجاب دراز کنیم و البته يك مملکتی که پول ندارد مجبور است از اجانب استقراضی نسازد مجبور می شود در مقابل قرض هر شرط سنگینی را بپذیرد که اینست که تا بچال هر وقت کسی بولی باین مملکت قرض داده است یا خرج هایی تهیه شده که آن پول ازین گرفته یا در مقابل آن یک چیزهایی از ایران گرفته اند

این مسئله مثل آنالک و صاحبخانه میباشد که بودجه اش درست نباشد و بگوید من آدمی هستم مستقل و البته آدم فقیر نی توانم بگویم من مستقل هستم زیرا وقتی که احتیاج پیدا کرد احتیاج استقلال او را ازین می برد و اینجهت لازم است هر چه زودتر باین مسائل خانه داده شود و از خرج جاو گیر بشود و نه می دانید از برای شخص بنده اینجا خیلی مضر است ولی برای مملکت مفید است و چیزی را که برای مملکت مفید باشد من بر منافع شخصی ترجیح میدهم شخص بنده میبایست تجاوز از يك ملون از بودجه وزارت مالیه کم کنم البته با این حال طریقت دارد دشمنی دارد فحش دارد و بالاخره همه چیز دارد ولی این مسئله برای مملکت مثل آن دولتی می ماند که حکیم برای علاج بوریس میدهد

پس هر روز از خانه هر چه کمتر بگیرد بهتر است تا استقلالش پایدار باشد و همیشه بتواند بگیرد بهتر است نه اینکه زیاد بگیرد و يك روز بگیرد ما از روی این فلسفه داخل این جزء جمع نشدیم و خواستیم جمع را تصویب کنیم فقط خواستیم تعیین کنیم که عایدات ارسال ما که بهندون مالیه وارد شده بقدر بود وزارت مالیه اگر بخواست عوام قرضی کند ممکن بود يك عایدات ما و بوسی ما و بوسی برای مملکت بنویسد و عوض بیست و دو ملون خرج هم بیست و پنج ملون می نوشت میگفت ۵۰۰ میلیون اضافه بر خرج می

رئیس. آباء مجلس موافق است نیم ساعت جلسه تعطیل شود.

(بعضی از نمایندگان اظهار موافقت نمودند)

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

سلیمان میرزا - بنده توضیحی دارم اجازه می فرمائید.

رئیس - بفرمائید

سلیمان میرزا - از قزاقی که در موقع تنفس شنبه در موقع مذاکرات خود گویا لغتی گفته ام که از استعمال آن لغت سوء تفاهمی حاصل شده لذا توضیحاً عرض می کنم اینکه بنده عرض کردم ورق باره ابدأ قصد نمودن برابری با اعضای کمیسیون بودجه نبوده چگونگی سخن است يك نفر نماینده بيك نفر نماینده دیگر نوعی وارد آورد زیرا شرافت هر يك نفر نماینده شرافت نماینده دیگر و توهمین بهر کدام توهمین بدینکار است بنابر این اگر سوء تفاهمی حاصل شده این توضیح را دادم که رفع آن سوء تفاهم بشود.

وزیر مالیه - در باب کمیسیون تطبیق حوالجات که نماینده معتمد در ضمن فرمایشاتشان فرمودند بنده در موقع خودش جواب عرض نکردم حالا بطریم افتاد لذا توضیح عرض میکنم کمیسیون تطبیق حوالجات که سابق در وزارت مالیه بود بهیچوجه حوالجات وزارت مالیه را تصدیق نمیکرد فقط حوالجات شهری و بعضی چیز های دیگر را که بکلی تصدیق یا عدم تصدیقش برای منافع دولت فرقی نمیکرد تصدیق می نمود و اغلب از حوالجات وزارت مالیه بکسیون نمی رفت و در خود وزارت مالیه صادر و پرداخت میشد ولی امروز کمیسیون نظارت خرج همان کارهای کمیسیون تطبیق حوالجات را با اختیار بیشتری انجام میدهد و تمام حوالجات را تصدیق می نماید

راجع به بدینهم فرمودند عدلیه نباید هیچ عایدی توضیحاً عرض میکنم که عدلیه در تمام مسائل دنیا عایدات دارد عدلیه هیچ جایی عایدی نیست فقط در بعضی نقاط دولت يك ترتیبی می دهد و مطابق تفرقه که دولت باشخص فقیر و بی بضاعت می دهد و کلاه رسمی مکلف هستند از حقوق آنها در موقع خود معافانه نمایند با ترتیبات دیگر فراری می دهد که تمام دعوی قراء بدون اینکه به دولت دیناری بپردازند در محاکم حاکمه بپذیرد البته تصدیق می کنم مطابق ترتیبی که در تمام ممالك دنیا مرسوم است نمی شود بيك قاضی بدون اینکه از طرف دولت باو حقوق داده شود گفت برو در يك محلی بدون بودیه قضاوت کن و از برای خود تحصیل عایدات بنما ولی از طرف هم نمی شود عدلیه هیچ عایدی نداشته باشد مطالبی دیگر که لازم است توضیحی راجع بآن عرض کنم موضوع اقلیت و اکثریت است بنده میخواستم تیزی بین اکثریت و اقلیت مجلس داده باشم البته در هر موضوعی يك اشخاص هستند که بآن مسئله عقیده

دارند و رأی می دهند آنها اکثریت را تشکیل میدهند و يك اشخاصی رأی نمی دهند آنها اقلیت را حائز می شوند.

بنده استدعایم این بود که همواره راجع به این مسئله که بکس مسئله حیاتی است رأی بدهند و این شرافتی را که تا امروز در ظرف این پانزده سال برای مجلس دست نداده تحصیل نمایند.

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - اولاً راجع به بیانات آقای وزیر مالیه در خصوص اقلیت و اکثریت چون خودشان توضیح دادند بنده دیگر در آن موضوع وارد نمیشوم و بالاخره عرض می کنم تشکیل اقلیت و اکثریت در يك مجلس حتمی است برای آنکه این مسئله از نقطه نظر اختلاف عقیده حاصل میشود و این اقلیت که در این دوره حاصل شده است يك اقلیت عبور و لجوجی نبوده است و در کلیه مسائل حیاتی مملکت اقلیت با اکثریت بالاتفاق رأی داده است و بهیچوجه اقلیت نخواسته است در مقابل اکثریت تنقیداتی بنماید. در این موضوع بیش از این وارد نمیشوم و اما نظر مخالفین این را بپورت که بنده هم یکی از آنها هستم از نقطه نظر حفظ مصالح مملکت است نه از نقطه نظر اینکه اکثریت پیش برد این شرافت را حائز شود فقط بواسطه اختلاف عقیده است. اعتراضات بنده راجع برابری که از کمیسیون بودجه به مجلس تقدیم شده از چند جهت است. اولاً از نقطه نظر عایدات و وصولی سته گذشته است. مطابق آن ورقه که به قول بعضی از نمایندگان عظیم الجثه و بقول بعضی کنده و بقول بنده هریض و طویل که از طرف وزارت مالیه تقدیم شده و در بيکی از اطرافها بدیوار نصب شده بود عایداتی که درسته بهیچ بیل وصول شده صورت داده اند بنده مثل بعضی از آقایان نمایندگان عرض میکنم که آنچه در آن ورقه نوشته شده مطابق با واقع نیست و زیادتر وصول شده است و حالا آن زیادها کجافرته و چه شده و میشود موضوع دیگری است در عین اینکه وزارت مالیه و هیئت دولت وجه تصدیق داریم که زیادتر از این وصول شده است نمی دانم برای چه ما باید يك چنین صورتی را تصدیق نمائیم دو هب آنرا بنده من باب مثال برای توضیح عرض می کنم یکی آنکه علت اینکه این مزاد که وصول نشده است چرا در این صورت جزء عایدات نیامد مثلاً عایدات خراسان محقق است که در سال گذشته متجاوز از هفتصد هزار تومان بوده است و از سر کزهم پولی با آنجا فرستاده نشده در صورتیکه ماهانه شصت و پنج هزار تومان مخارج محلی داشته و در این صورت عایدی وصولی خراسان را چهارصد و هفتاد هزار تومان می نویسد همین طور در طهران وصولی دهانات را در سه گذشته سصد و شصت و شش هزار تومان و سوری می نویسد ولی در مقابل صورت جزء آنرا نه نوشته و معلوم نیست همین مبلغ وصول شده باز یادتر مثلاً نه نوشته است در خراسان از بابت مالیات مستقیم بقدر باید وصول شود اما بدینم از آن مبلغ آنقدر وصول شده (فقط در این صورت

می نویسند لاوصولی) بنابر این این صورتی که آمده است يك صورت ناقص و مبهم و گنگی است که ما نمیتوانیم آن را مندرک قرار دهیم زیرا ما یقین داریم عایدی ما بیش از این بوده. حالا که نزد امین مالیه است است یا نزد کسان دیگر اینها چیزهایی است که باین موضوع مربوط نیست فقط من حق دارم سؤال کنم که تا بحال چرا این اشخاص معلوم و معین نشده اند تا از آنها مطالبات دولت وصول شود تا دولت مجبور نباشد در این موقع مهم دست پیش امریکائی ها دراز کند و هزار میلیون دلار قرض کند.

بعضی از نمایندگان - يك ماون

تدین - به بنده اشتباه کردم گفتیم هزار میلیون هزار میلیون برای این است که بنده کاملاً علاقه باز دارم مالیه مملکت دارم باری چه مانعی دارد دولت از آن مالیاتهایی که وصول نشده وصول کند.

اگر دایلی آقای وزیر مالیه بر لزوم تصویب این بودجه این است که دولت روزی هفت هزار تومان ضرر بینماید بنده باین دلیل متقاعد نمی شوم دولت می تواند بقایای مالیاتی خود را وصول نماید که هم این مسئله را جبران نماید و هم چند ماه حقوق دوا را ردوانی عقب نیفتد و برای اینکه قدرت هم ندارد نمیشود گفت دولت قدرت وصول بقایای خود را ندارد بنابر این چگونه می توان گفت که بيك چنین صورت ناقص را ماخذ قرار دهیم و اینکه آقای وزیر مالیه اظهار کردند که اگر يك وزیر مالیه دیگر بود عایدات را زیادتر از این صورت میداد و بنده ممنوم بنده آنقدر نبوده بنده عکس این را بگویم به عرض میکنم از کجا که مقصود وزارت مالیه از تقسیم این صورت این نباشد که بگویند عایدات خراسان مثلاً چهارصد و هشتاد هزار تومان بود سبب هزار تومان آنرا من پیدا کردم یا عایدات فارس یا صد هزار تومان بوده و دو صد هزار تومان را من تحصیل کرده ام بلی آنطرف مسئله را هم باید خواند بنده که نمیتوانم بيك صورتی که معلوم نیست جزو حمش چیست و بنده قدر وصول شده وجه مقدار لاوصولی است رأی بنده بيك دیگر از معایب این صورت این است که میگوید تسعیر جنس فلان نقطه دو هزار و هفتصد تومان ولی هیچ معلوم نیست که مبلغ تسعیر آن چه چیز است یا آنکه مقدار جنس تسعیر شده چه مقدار بوده در صورتیکه مطابق اطلاعاتی که کلبه نمایندگان حاضر در آنجا در مذاکرات پیش از اینها بوده است آیا این ترتیب از این افراط و تفریط ها جلو گیری خواهد کرد و این صورت مجلس ناقص را آیا برای اصلاح یا تبدیل بودجه مملکت میشود ماخذ قرارداد ؟ خیر عقیده بنده این است که باید صورت عایدات جزء به جزء بنده نوشته شود تا مدت بدانند مالیات مستقیم بقدر بدهند و مالیات غیر مستقیم و سایر مواضع راجع اندازیم و دانند مثل آنکه در گمرک معین است و بيك نسبت معینی دارد که فلا قدر گمرک دارد باین صورت فعلی من نمی دانم عایدات خراسان کلبتا چه بوده که از آنقدر چهارصد و هشتاد هزار چه بوده که سصد و شصت و شش هزار تومان و کسری وصول شده اینها را باید دانست تا انسان بتواند از روی

است در مرحله دوم هم باز هنوز معارف نیست در مرحله دوم نقیون است زور است سر نیزه است ملت ایران هر چه دارد باید بشقون بدهد زیرا یگانه چیزی که مملکت را از تلاشی شدن حفظ میکند مدرسه نیست مدرسه دوائی است که مخرجاً روح مملکت را ترقی می دهد ولی دوائی که امروزه برای مملکت لازم است مشق است که باید اسماعیل آقا و جنگلیها و کاکل معتمدی ها را قلع و قمع نماید پس باید قسمت اعظم از اعیان را به گلولی سر بازهای خودمان بریزیم من میگویم بکنفر خرد و معتمدی یک سر باز را بیست و پنج نفر معلم ترجیح میدهم پس باید اول استقلال مملکت را منظور داشت استقلال مملکت هم بسته نقیون است نقیون را باید بقدری تقویت کرد که توانائی این را داشته باشند و دست جواب را از ایران کوتاه کنند بعد در مرحله سوم باید ما را از معارف بخارجین معتمدی ها جدا کرد و ما را از معارف خواص و معارف و دران و واقف البته این قسمت را هیچکس منکر نشود بعد در مرحله چهارم باید سهم تحصیل کرده را در نتیجه حق دارم ادعا کنم که سهم جیره معارف خواص این مملکت هستم من هم منکر معارف نستیم من هم آرزو مندم که در عرض شصت هزار تومان شصت میلیون برای معارف مملکت خرج شود حالا میگویم وارد دوا مخالفت آقایان بشوم قبل از آنکه وارد این موضوع شوم میگویم یک توضیح بفرمایند خیلی فصیح بلیغ آقای وزیر مالیه بدیدم اگر به آقای وزیر مالیه خودشان توضیح دادند ولی میگویم عرض کنم که در تهیه این راپورت تنها آنکه در شمار آن نکردم اشخاص دیگری هم در شمار آنرا باید شمرد من میگویم که تمام نمایندگان مجلس و مستوفی فکر و اطلاعات و تصرف او میباشد و آنست که آقای مشیرالدوله مستند که به کماری خودشان به تمامه تمامه که در این روز نیست می گذارند و همینطور و آنست که وقت ضروری هم شرکت داشته اند زیرا من هیچ متعلق در اختلافات مجلس نمی بینم از میان اقلیت صودی نیز آقای مساوات آقای زنجانی نیز در کمیسیون بودجه فعالیت دارند و در تمام این مواد با اقلیت رأی داده اند بنابر این اجازه خواستم این قسمت را برای اطلاع آقای وزیر مالیه توضیح داده باشم که منکر نیست اکثریت و اقلیت تکرار نشود حالا بگویم در مسائل که در اینجا ذکر شد همکار معتمدی ها شاهزاده سفیدان میرزا فرمودند یکی از ملل معاندان این است باین راپورت این است که مخالفت با اصل خود را بشقون نقیون اساس میکنند بطور که خودشان فرمودند

که بمجلس آمده است چه مناسبت دارد. مالیات نازم باید تأسیس شود ؟ و در این باب مذاکره می شود که مامتوسل باصل نود و شش شده و بگوئیم مالیات هائی که بتصوب مجلس شورای ملی نرسیده است نباید گرفته شود .

مگر در این زایورت کیسبون بودجه يك ماده راجع بهایدات هست که باید مجلس شورای ملی در آن رای بدهد که ما متوسل به اصل نود و شش می شویم .

بللی اصل نود و ششم قانون اساسی مقدس و معترم است من هم باآواز بلند می گویم این حس و فکر در ملت ایران باید پیدا شود که بدانند بگانه صاحب واقعی در برقرار کردن مالیاتها مجلس شورای ملی است و هیچ دولتی حق ندارد مالیات بدون تصوب مجلس شورای ملی بگیرد و اگر هم بگیرد برخلاف قانون رفتار کرده است .

اینها يك اصول مسلمی است که هیچ جای حرف نیست و ایکاش روزی پرسه که عباد مالی و وقتی برای مطالبه مالیات در خانه مؤدی مالیات می رود می گوید من این مالیاتی را نمی دهم برای اینکه مجلس تصوب نکرده است آنوقت دوره قنرت پیدا خواهد شد .

ولی این اصل را بیوط بهطباط ما نیست ایکاش معترم با مشورت با سایر رفقای خودش بسا می گفت بایانید در تکمیل اصل نود و شش کمبودش الدات قابل اجراء نیست يك اقتضای بکنیم زیرا قانون اساسی يك پرنسب ها و يك اصول معینی را در نظر گرفته است طوری است که هر يك از این اصول منوط بقوانین فرعیه است .

ایکاش ایشان يك لایحه قانونی پیشنهاد میکردند بدهم ملاحظه می کردم و بهمدیگر هسکازی میگردیم يك موادی تهیه می کردیم که اکثر يك دولتی مالیاتی برخلاف قانون اساسی وضع کرد مجازاتی نیست و تکلیف مالیات بده چیست آن وقت تقدیر مجلس می کردیم و میرفت بیکسبون بودجه و مد مجلس می آمد رای می دادیم و فقهیه تمام می شده ما در يك لایحه که اعتبار خرج را پیش بینی میکنند انفا و واقفا از درك من خارج است رابطه اصلی رد و ششم را با آن بدادم .

ایراد ثانی که داشته این بود که حزب دفتر عینی بیم صورت جزمجمع را دارند و ممکن است صورتی ای شود را بیآورند و درطاف دوهفته بربطه توبه می شود .

بله حزب دفترها صورت داشته اما راجع بچه اصح بحالیاتهای مستقیم و ارضی در آن زمانی که ن حزب دفترها ولوله كافتد و فلسدان پرتشاهه بودند آن وقت مالیات تعدید و دخانیات و مستقلان بود مالیات غیر مستقیم نبود فقط يك فردهایی بود که در آخر هر سال از روی آن برای سال نو يك دستور عمل هائی بولایات میفرستادند مثلا برای حسن آباد شومان نقد بیست خروار جسر و پایش را هم مهر می کردند .

در اوراق دیگری محل خرج و شهریه بگیرها

را معین می کردند و تمام می شد و میرفت اما از آن وقتی که آن حزب دفترها را تصور تها را داشتند تا امروز مملکت ما در يك حال باقی مانده مملکت دو يك حال منجمد نشده روز بروز در بسط و توسعه است در مملکت ما عناصر تازه پیدا شده در مملکت ممالیات های مستقیم و غیر مستقیم دیسگری پیدا شده سکه اینها جزو جمع ندارد صورت ندارد فرد ندارد با این حال متو حل شدن بفره های قدیم نتیجه ندارد علی الخصوص که يك قسمت از کمی عایدات مستقیم ما فقط و فقط برای این نیست که ضرورت نداریم بواسطه این است که يك قسمتهائی از مملکت در تحت تأثیر حوادث مغفله تا بحال قادر بر تسایر ممالیات نبوده اند مثل آتش بازی و کپالان که تا دیروز در تحت فشار عناصر باقی بوده و امروز بواسطه قشون غیور ما امنیت پیدا کرده است و هنوز هم نمی توان ممالیات آنجا را جزو عایدات مملکت حساب کنیم

پس این فرد را بچند در می خورد • اما اینکه فرموده در ظرف دهفته ممکن است بودجه را تهیه کرد • بشه هایت تأسف را دارم البته همیشه دیسگری تا اندازه شیعان میرزا سرور و مشغوف بودهام ولی اگر چیزی اسباب این میشد که مرث مرا زیاده تر میکرد خیلی مشغوف میشدم و آن این بود که ایشان اگر خردشان عضو کمیسیون بودند به انتخاب از دیگران میشدند •

در این مملکتی که يك وزیر تعانه مرکزی بطور کلی از ولایات مغفله ایران خبر ندارد در این مملکت هر کسی بگوید در ظرف دهفته میشد بودجه معین نگردد دور از حقی است بشه باور نیستیم و انوس می فرمود که چرا با ایشان هم صحبت کنم که از کمیسیون بودجه استعفا بدهم و شعبه ایشان را بجای بنده انتخاب نمایند اگر ممکن بود با بطور میشد آتوقت این عراض را که بشه آلاان عرض میکنم ایشان می فرمودند در دهفته نمی شود بودجه معین کرد دوماه هم نمیشود بلکه در شش ماه هم نمیشود مگر آنکه مجلس شورای ملی خیلی فشار بیاورد و دولت هم خیلی خدمت کند و تحت بکشد آتوقت با محبت مجلس و دولت شاید در ظرف چهار پنجماه بشود يك چیزی شبیه بودجه تهیه کرد ولی اگر بگوئید در ظرف دهفته بودجه را می شود معین نکرد و کمیسیون بودجه که مرکب از چند نفر و کبلی است که اغلب آنها مطلع و بهیتر بشه اینقدر عقاقلان نرسیده من منکر این عقیده هستم بن مطلبها کاملاً نکتب می کنم و اینکه فرمودند صوب مواد این رایبورت در حکم اختیارات هائی است که بقوا داده می شود منکر این مطلب هم هستم و عرض میکنم بر عکس این رایبورت از قدرت دولت می کشند قنایال دولت مطابق الحان بود و عملیات دولت یعنی بر تصویب اسهائی گذشته بود دست زیر جریان ننگاری مملکت قابل توجه و فتنه نیست • بلی مجلس شورای ملی ممکن است شش سال در يك مملکتی بود نداشته باشد ولی هیچکس نمی تواند بگوید شش سال دولت کشی يك مملتی را توفیق می کنم بنگانی ابتدائی ترتیب طبیعی خود را طی خواهد کرد را اگر احتیاجات خود را بر سه مشروم نتواند

اداره کند بواسطه غیر مشروع یعنی بواسطه غیر قانونی تأمین خواهد کرد در این مملکت عیناً ضمیمه قضیه پیش آمده اینکه زندگانی مملکت از زمان درویش سوم تا بحال خیلی تفاوت پیدا کرده دولتهای مختلفه آمده بقدر فهم و احتیاجات خودشان تصمیماتی اتخاذ کرده اند که الان هم در جریان است و اگر از نقطه نظر قانونی بخواهیم وارد بشویم هیچ بشمار آنها مدارج قانونی خود را طی نکرده و قانونیت ندارد پس بشمار این تصویب این مواد اختیار نامه دادن قوه مجریه نیست برعکس يك چهار دیواره ای بزرگ محدود کردن قوه مجریه است و مجلس شورای ملی در این چهار دیواره قوه مجریه را محدود می کند و اول قضیه که مجلس شورای ملی برای تبدیل بودجه برداشته و خیلی متأسفم که دیر برداشت مقتضی این بود خیلی دیرتر این قدم را بردارد اگر اینکار را مادر سه ماه پیش میکردیم شاید امشب در عرض تصویب این اعلام در دست تصویب اقلام کوهک موقوف میشدیم حالا از امشب شروع میکنیم و امیدوار هستم بعد سه ده دیگر موقوف بشویم زیرا که نوع اصلاحی تدبیر است و هیچکس قنونیست تمام اصلاحات را در قدم اول و یک روز یک جلسه تهیه کنند همکار محترم من شرحی راجع به تفاوت دروس چ در اینهم با ادارات مختلفه که در ممالک مختلفه است فرمودند پس هم معتمد و خیلی متأسف است ولی لازم نیست در مورد و احتماً بقید کنیم که طرز تفاوت انگلستان را اتخاذ کنیم ممکن است دولت ایران از نقطه نظر احتیاجات و عادات داخلی يك طرز تفاوت خاصی بجهت بهایه مملکت خود اتخاذ کند ولی این فرمایش مبتنی بر این مورد می داشت اگر لایحه توزیع بودجه در اینجا می آمد و در ضمن لایحه تفریق بودجه این مطالب گفته میشد زیرا نمایندگان محترم اطلاع دارند که بودجه حقیقی بودجه کلی مملکت است که شامل هائی و مخارج دولت است ممکن است يك بودجه عایدات باشد و دیگری بودجه خرج و بهر هم که بودجه تصویب شد حسب تفاوت از بهایه قانونی مجلس شورای ملی نمی شود هر بودجه یک لایحه تفریق بودجه دارد و قوه مجریه پس از انقضای دوره عملی در یک مطلق قانون خواهد رفتار کند اقلام و سایر خرج را بر این تصویب مثبت مقرر در ضمن يك لایحه تقدیم می کند و این مقدار را بایستی در ضمن لایحه تفریق بودجه بشود که چهار روز می توانیم حکم کنیم این مبلغ خرج شده است یا نه والا کمترین تعالیق و احتجاج نداریم چه نداریم وجه نداریم در ضمن این که اجتناب مخارج را مجلس تصویب می کند مورد ندارد و فکر بنده حاضر است بقدم زابطه يك بودجه را در پیش گرفته و تطبیق حوائج با لزوم اینکه يك چهار دیواری برای خرج تهیه شود که وزارتخانه ها برای مخارج خودشان محدود باشند نمی فهمم یکی دیگر از همکار عالی محترم من آقای تهرانی چند فقره اعتراض کردند .

دوشن نری، بیان فرمایند زیرا من هم که موافق هستم مدعیم که موافقت از نقطه نظر مصالح مملکت است لافل باید یک نفر باشد که بین ما حکایت بکنند ممکن است هر دو باشد یعنی همین موافقت هم آن مخالفت از نقطه نظر حفظ مصالح مملکت باشد البته افکار ما با یکدیگر مصادره پیدا کند تا به مثل معروف عثمانیا باره حقیقت پیدا شود و دیگر اینکه فرمودند مخالفت من از نقطه نظر عایدات سته گذشته است و نمودن عایدات سته گذشته را من اطلاع دارم سکه و سوابش بیشتر از این است که در این صورت ذکر شده و یک قسمت از عایدات تفریط شده است و بقیاتی هم در محل هست چرا وصول شده باین جهت بنده باین راپورت متخلف *

بنده بنا قسمت اول فرمایششان موافقت و تماماً عرابدی که برای سته گذشته منظور شده عایسی عقبی نیست تفریط هم شده بقیاتی هم نزد مردم هست یا شاهزاده سیمان میرزا هم موافقت سکه باید نوشت پس شان زدو گرفت در زده هر کس کمی خواهد شد و هر دولتی که اشکارا نکند قصور کرده است و بالاتر عرض می کنم تصمیم کرده است حالا چه باید کرد آیا این مسئله مربوط است که من بگویم چون عایدات سته گذشته کم وصول شده باجه شده من مخالف باین راپورت هستم راست است اگر در این لایحه یک ماده نوشته می شد که عایدات مملکتی نوزده میلیون است آنوقت من فرمایش آقای تدین را قبول میکردم و ممکن بود برای سته آتی این مسئله واقع شود و برای عایدات یک مدرک قطعی باشد ولی آقایان شما را بخدا افسر تا آخر این راپورت را بخوانید به بنیید در یکجا یک کلمه از عایدات اسم برده شده بالاخره برای خرج بیبایستی یک ماعذی ولو غلط و مستم غلط مدرک واقع شود ما کفتم آقایان نمایندگان محترم مسیوق باشند بواسطه هرج و مرج اداری و وصول نشدن مالیات گردن کفتی مردمان مالیات بده باوجود این پولی که سته گذشته بصدوق وارد شده برده میلیون است البته اگر مجلس شورای ملی جدیت داشته باشد و دولت خودش فشار بیاورد و وزیر مالیه با جدیت کار کند هیچ تردید نیست که این نوزده میلیون ممکن است بیست و پنج میلیون بشود بنده عرض می کنم ممکن است آقای تدین از آقای وزیر مالیه استیضاح کنند که چرا بقیای مالیه را وصول نکردند مگر مجلس شورای ملی بیگانه و سیداش در مقابل دولت و عین راپورت کنیسیون بوده است مجلس شورای ملی هزار بار دیگر می تواند از قوم مجریه استیضاح کند سوال می کند تا کید کند یاد آوری و توضیح بکنند که من ملا اصلاح را لازم میدانم ممکن است بیست و یکم آقای تدین بگویند شاهزاده سلیمان میرزا بگویند آقای وزیر مالیه چرا بقیای مالیات را وصول نمی کنید ؟ ما بشما اختیار دادیم چه علت دارد مالیات رتزد ضرر روزی مانند ؟ آقای وزیر مالیه هم هیچ جواب انفرادی نگویند مگر اینکه بگویند من فلان اقدام را برای وصول کردم ولی ممکن نشد و اگر هیچیک از این جواب ها را ندهند مجبور است معترف

شود که تقصیر کرده فرض بفرمائید مجلس شورای ملی
موفق بهیچیک از این املاجات نشود و عایدات سنة
گذشته عیناً بحال خود باقی بماند آنوقت در مقابل
نوزده ملیون عایدات ۲۲ ملیون و خورده خرج داریم
این کسری را از کجا باید پیدا کرد؟ فقط حرفی
که کمیسیون بوده زده این است که از مخارج کسر
شود و این بشراء ملی است و نسبت عایدات هم
هیچ ماده که محتاج به تصویب مجلس شورای ملی باشد و
عایدات را تثبیت کنند در نظر نداشته باشند و پیشنهاد
نکرده است تنها راهی که بود همین بود که کمیسیون
بوده در نظر گرفته که مخارج را تقلیل کند و
مخارج زیادی از ادارات این مملکت را که تمام ایرانی
فریاد میکنند زاری میکنند و تنقید میکنند کاین
ادارات در این مملکت زیاد است و هیچکدام مملکت
راهم انجام نمیدهند کسر کرده بهقیقه بنده باید قبل
از اینکه با افراد ترسم کرد به مملکت ترسم کرد
باید بمملکت از نقطه نظر عمل نگاه کرد مملکت دار-
المال جزء نیست مملکت دارالاساکین نیست که بجز
اینکه بنده نان ندارم يك اقمه نان درشت و نان بزر
بمن میدهند و این يك چیزی است که همه مردم داد
میزانند همه جرات میگویند اشخاص عوام هم میگویند
خواص هم میگویند ما هم گفتیم در این نزد بیرران
همی که سالها است ده دادو فریاد میکنند برانیم
از این مخارج زیادی پنج کروڑ کسر کنیم بکسری
کردیم ۲ بنده در این خصوص چیزی عرض نمیکنم
و جواب را بافتار عامه و انگذار میکنم البته من هم بعد
از این اظهارات منتقد پیدا خواهم کرد ولی برای
من فرق نمیکند و بگانه ستاره راهنمای من تنها منافع
ملت و مملکت ایران است و او اینکه هر چه را تنقید کنند
پس کمیسیون بوده آمده و این ندید اول را برداشته است
البته آقایان تصدیق می کنند در صورتیکه کمیسیون موفق
نشود عایدات را اصلاح کند مخارج هم تقلیل نشود باز
بر میگردد بهمان خرج و مرج سابق نتیجه رد کردن
راپورت کمیسیون بوده تنها همین است و پس حالا اگر
مجلس موافق با این نتیجه است بنده هم سرفی ندارم آنوقت
تمام ما در خرابی مملکت موافق نیستیم بالاخره در
خانه يك نکته را لازم است عرض کنم و آن اینست
که چهار مجلس چه در جراید معلی ثبت بدو مطلب
مذاکرانی می شود که محتاج به ضمیم است یکی راجع
به بوده است که بیش از آنچه لازم است بسط پیدا
کرده و یکی راجع به معارف است که حتی بعضی اعضاء
دولت هم بنام بوده معارف میخواهند مذاکره کنند و
ما از هو نیز نسیم کمیسیون بوده امروز برای تجدید
نظر در بوده معارف منعقد شد و معلوم شد آقای
وزیر معارف تا بحال موفق به کسب اکثر دول و مخصوصاً
آقایان رئیس الوزرا و وزیر مالیه نشده اند و نظریه را
که اظهار میکنند نظریه شخصی خودشان است لهذا
کمیسیون بایشان تکلیف کرد که سایر معارف خودشان
توافق نظر حاصل نمایند این تصمیمی که امروز کمیسیون
بوده با حضور آقای وزیر معارف گرفته است و سناست
يك ماده از مواد این راپورت فقیراً بواسطه مسامحه
که آورده اند می ماند کمیسیون بوده چنانچه در راپورت

بودجه گرفته غلط است مثلاً از روزنامه معتبره بیکصدتفری
راجع به ایضات بیان میکند و در ضمن مطالب جبهه
یک قاضی باینجه داشت تومان حقوق آتوق است اگر
نخواهند تومانی سفران از او کسر کنند دیگر نمی-
شود از او صنعت هم خواست در این خبر من یک
انتشاراتی پیدا شده و بطور کتابه و اشاره بطور مستقیم
و غیر مستقیم گفته میشود که کمسیون بودجه از مسئله
حقوق تومانی دو قران سفران کسر ننوده بنده بنام
کمسیون هم تهمت را تکذیب میکنم و لذا در ضمن
تصمیمی در کمسیون گرفته نشد کمسیون بطور کلی
مبارات خرجی برای دولت تصویب کرده و تکلیف
موده از حدود این اعتبارات بودجه خود را تهیه کند
مدت هم تعیین کرده که تا پایان مدت آن بودجه جزء
جلسه بیاید ولی هیچ نگفته شمار وید از حقوق اجزاء
بزرگ کل خودتان تومانی سفران کسر کنید هیچ همچو
رفی زده نشده و تصور می کنم یک نظر عامی در کمسیون
بودجه حکم فرماست و آن این است که باید عده معتدین
اکم و آتقدری که باقی می ماند باید سپر نگاهداشت
اینکه مستقر در یک اداره باشند و همه گرسنه
باشند باید عده را کم کرد و آن عده کمی را که نگاه
دارند باید قیمت کلیه از اوق و مصارفشان از آن
گرفت و کرایه خانه و نقل و غیره سنجید و بهین
اس با آنها حقوق داد پس کمسیون بودجه هیچ
ال نداشت است که از ارقام تومانی یک قران و دو
ن یا کمتر باز ادر کاسته شود و هر کس این اشتباه
مکرره است برای رفع اشتباه عرض می کنم چنین
ری نبوده است مثلاً بطور مثل ممکن است وزارت خارجه
رض کنم

وقتی بودجه وزارت خارجه بکمسیون آمد دیدیم
بق احتیاجات مملکت نوشته نشده مثلاً سفارت
های که در خارجه داریم بعضی از آنها از حیث
حقوق سخت میگذرد چنانکه سفارت آمریکای
روز شایان از کمی حقوق می حکند و آن پولی
سابقاً بسفارتخانه و اشکنان داده میشد نمی شود
کمی کرد کمسیون موافقت کرد که از طرف وزارت
خارجه یک مبلغی بر حقوق سفارتخانه و اشکنان افزوده
از یک طرف هم دیدیم با این پول سفارتخانه
پای و هلد داشتن زیاد است و فعلاً لازم نیست
تیم وقتی یک بودجه کالی پیدا کردیم بیک قدری
و با امان باز شد ان شاء الله هم بپولند هم با سانی هم
قال نماینده ما خواهیم فرستاده ولی حالا که پول نداریم
نیست و هم چنین چهل پنج هزار تومان صاحبان
ری و شهریه وزارت خارجه را کفتم خوب است هر
خانه که شهری بگردد تمام جزی بودجه وزارت
باشوند تا تکلیف کلیه شهرها که معلوم شد تکلیف
هم میشد مثلاً گفتیم کار گذاری در عراق لازم
چانهای مهم که لازم است باید کار گذار داشته
کمسیون بودجه کسری که خواسته است بشود
طریق است نه اینکه بگوید تومانی دو قران
ان از کمسیون ها کسر بشود این البته منطقی
و بعد از این توضیح که بنده دادم با معذرت
که اسباب تصدیق آقایان شده میخواهم عرض کنم

صفحه ۳۶۹

که آقایان این را در نظر داشته باشند که این لایحه بودجه نیست این راپورت چون يك موادی است که مربوط به بودجه است اسم آن مواد قانون بودجه گذاشته شده . این مواد راجع باین است که هر يك از وزارتخانه ها در چه حدود باید برای خودشان بودجه بنویسند و هیئت دولت بداند این نهصد و پنجاه هزار تومان اعتبار را چه طرز باید بمصرف برساند . این موادی که در راپورت ذکر شده و آقایان ملاحظه میفرمایند البته قانون بودجه است و پس از تصویب مجلس شورای ملی قانون راجع به بودجه خواهد شد و اگر هم نخواهیم بطور کلی اسم آنرا بودجه بگذاریم میگوئیم بودجه خرج و یا اینکه ممکن است بگوئیم لایحه است که بر طبق آن تقاضای اعتبار از طرف دولت تصویب شده و قری آقایان این نظریه را پیدا کردند عقیده من يك قسمت از اشکالاتشان مرتفع خواهد شد و خواهش میکنم این راپورت را بعنوان يك لایحه قطعی بودجه تصور نکنند فقط کمیسیون بودجه لازم دیده است که زمینه برای بودجه های جزء را تهیه نموده و بهارات اخری وزارتخانه ها را در چهار دیوارهایی محدود کنند تا آنها هم بروند در حدود این اعتبار بودجه های جزئی برای خود تهیه نمایند علاوه وزارت مالی به تکلیف خاصی هم خواهد داشت و آن اینست که قطع نظر از اینکه بودجه خرج وزارتخانه خودش را تهیه میکند بودجه عایدات را نیز این قدر ممکن است نزدیکتر بواقع باید پیش بینی کرده و بمجلس تقدیم کنند و اشاعه تا اوایل یا اواسط حمل بتصویب مجلس شورای ملی برسد آنوقت اگر آقایان نمایندگان محترم نظری در بودجه عایدات دارند بفرمایند موافقت و مخالفت خودشان را اظهار دارند و الا ما دام که این مقدمه تهیه نشده این فقط تقاضای اعتبار برای تهیه بودجه خرج و بطور قریبای درشت است .

رئیس - مجلس مذاکرات را در کلیات کافی میباشد یا نه

(جمعی گفتند کافی است)

سایه مان غیرزا - بنده کافی نمیدانم چون يك نسبت هائی داده اند باید جواب داده شود .

رئیس - چون هفت نفر در کلیات نطق کرده اند رای میگیریم که مذاکره در کلیات کافی است یا کافی نیست ؟

پیشنهادی رسیده قرائت می شود بعد رای می گیریم .

(آقای آقامیرزا ابراهیم خان ملک آردانی پیشنهاد میزوردا که بمضای بازدمانر)

(از نمایندگان بوده به مضمون ذیل قرائت نمودند)

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی

نظر باینکه تعیین بودجه مملکتی برزوی احتیاجات صحیح و ضروری است پیشنهاد کمیسیون بودجه باین توجه کامل باین مسئله فقط شامل اختیاراتی است که بوزارتخانه ها داده شده و از این روتبعه قطعی و

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

عاقبت آنرا که اطمینان از صحت و لزوم تشکیلات باشد نمیتوان فعلاً تشخیص داد و لهذا اعضاء کنندگان ذیل از دادن رأی مہم و علی العمیامعذور بوده بالضروره موافق ذیل را بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید

ماده اول - مطابق ماده واحدہ کہ بمجلس شورای ملی بکمیسیون بودجہ مأموریت داده کہ بامشارکت دولت بودجہ های جمع و خرچ را تهیه کردہ بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید

کمیسیون بودجہ ردولت میکنند کہ ہرچہ زودتر بودجہ جامعی کہ متناسب با احتیاجات و عایدات مملکتی باشد تهیه و بہ مجلس شورای ملی تقدیم دارند .

ماده دوم - قبل از تقدیم بودجہ مذکور باید دوات صورتیکہ متضمن شرح کتبہ عایدات باشد بہ ضمیمہ بودجہ معمولہ گفتونی بمجلس تقدیم دارد یا بنظر نمایندگان رسیدہ آراء و تغییراتی کہ در بودجہ قدیم وجہیدہ حاصل میشود مقایسہ و بصیرت کاملہ حاصل نمایند

ماده سوم - در صورتیکہ بودجہ های جدید تا اول حوت بمجلس تقدیم نشدہ باشد دولت حق هیچگونہ مخارج بدون اطلاع و تصویب مجلس نخواہد داشت .

رئیس - این پیشنهاد منافاتی ندارد با آنکہ در کافی بودن مذاکرات رأی بگیریہ ممکن است آقایان مذاکرات را کافی بدانند و این پیشنهاد ہم بمسئولہ برای جلسہ دیگر رأی می گیریہ آقایانیکہ مذاکرات را در کلیات کافی میدانند قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - مداوم میشود کافی است اعتماد جلسہ را آقایان لازم میدانند .

(بعضی گفتند خیر)

رئیس - جلسہ آنبہ روز شنبہ دوساعت بغروب دستور بقیہ مذاکرات در راپورت سگمیسیون بودجہ است

(چہن اظهار نمودند جلسہ پنجشنبہ خواہد بود باشند)

رئیس - کمان میگردم آقایان میدانند پس فردا روز وفات حضرت صدیقہ طاهرہ است سلامتی علیہا جلسہ روز شنبہ خواہد بود

(مجلس ۳ ساعت از شب گذشتہ ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی مؤتمن الملک

جلاسہ ۱۴

صورت مشروح مجلس یوم شنبہ

۲۲ برج جنسی ۱۳۰۰ مطابق ۱۰ جمادی الاولی ۱۳۴۰

مجلس تقریباً نیم ساعت قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید

صورت مجلس یوم شنبہ ۱۹ جنری آقای میرزا ایرام خان قرائت نمودند

رئیس - صورت جلسہ مخالفی دارد یا نہ ؟ (گفته شد خیر)

دوره چهارم

رئیس — صورت مجلس تصویب شد. دستور
ز بقیه مذاکرات در راپورت کمیسیون بودجه
ولی چون دوقفله راپورت از شعبات قبلا رسیده
که طبع و توزیع شده است باید رای بگیریم بعد
از مذاکرات دستور بشویم يك فقره راپورت از
اول راجع ب وکالت آقای آقا میرزا محمد نجات
اگر مخالفی هست اظهار شود والا رای بگیریم
ای هست ؟

(اظهاری نشد)

رئیس — پیشنهادی از طرف ۵ نفر از آقایان
است که باورقه رای بگیریم پیشنهاد دیگری از
۵ نفر باورقه گرفته شده است که رای مخفی گرفته
رای مخفی مقدم است لهذا رای مخفی گرفته
بد آقایان بیکه نمایندگی ایشان را تصویب می
مهره سفید و آقایانی که رد میکنند مهره سیاه
مقدم داد

(اخذ آراء شده آقای سهام السلطان استخراج
نموده و بترتیب ذیل نتیجه حاصل شد)

عده حضار — ۶۸ نفر : مهره سفید علامت
سی و هشت — مهره سیاه علامت رد بیست و پنج
رای مخفی

رئیس — عده حضار شصت و هشت نفر است
دکای آقای نجات با اکثریت سی و هشت رای
تصویب شد

(اسامی قاضا کنندگان رای مخفی)

حائری زاده . شیخ اسدالله معلانی . منتصر
علی . عبدالمعین . بیان الدوله . حسین علی
ناور . عبدالله متعدد السلطنه . تقی طباطبائی
رضا رئیس التجار . سهام السلطان . شریعتدار
انی . مؤمن السلطنه . امین الشریه . شیخ
ادم اصغاری

رئیس — راپورت دیگر راجع بنمایندگی
شیخ عبدالکریم از بو شهر مطرح است حکمتی
ای هست ؟

سایر حاضران — در جلسه قبل بنده اظهار
نکردم و عرض کردم از راپورت هم مخالفم یعنی
وضعی که نوشته شده و بعد در خارج هم مذاکره
و گفتگو چون این راپورت مجهول التکلیف است
آخرین ساعت و آخرین روز انقضاء شعب سابقه
شده است بنابراین اگر آقایان موافقت فرمایند
تا تحقیق عیق تری شود بهتر این است که آقای
راپورت را مسترد بدارند که مثل سایر راپورت
به شعبه برگشته معاونت کند و رد یا قبول آن در
با اکثریت تصدیق شده و راپورت آن تقدیم مجلس
معمولی بشود

فصیح دیوان — بنده قبول میکنم

رئیس — شما نمیتوانید قبول کنید چون بعد
جدید شعب وظایف شما از شما سلب شده است و
سمت مجبری ندارید اگر آقایان لازم بدانند
پیشنهاد بشود و رای بگیریم آقای سردار معظم
(زنه)

سرشاره عظم - بنده با قست اول اظهارات شاهزاده سلیمان میرزا و بالتبعیه با استرداد راپورت بشبه جدید موافقت ولی با يك اضافه كه فقط مقصود این باشد برود از شعبه دیگری راپورت تقدیم مجلس شود بلکه بنده معتقد هستم كه برای سلب حق يك نفر و كیل كه يك عده رای داشته است باید غیر از تصدیق انجمن نظار مدارك دیگری نیز قائل شد باین ملاحظه حالا كه راپورت بشبه مسترد میشود شمه يك تحقیقات هیئتتری بكنند كه آیا این یكانه هائی كه برای محرومیت پوررضا از نمایندگی ذكر شده مدارك و اساسی دارد یا نه؟ زیرا در مملكت ما كه اسناد تولد غیر منظم است و درست نمیشود در باب سن کسی تعیین كامل حاصل كرد بالاخره نتیجه این خواهد شد كه مجلس شورای ملی معتقد باغماض باشد و قبل از این هم شاید باز این تبیل اتفاقات چه از حیث گیرسن وجه از حیث صغر سن بوقوع پیوسته باشد بنابراین بنده تصور میکنم شعبه تازه كه تجدید نظری كند مدارك رسیده كی خود را فقط تصدیق انجمن نظار قرار نهد و بدون اتخاذ رای قطعی بمجلس راپورت نهد بلکه تحقیقات هیئتتری بكنند و رای قطعی اتخاذ بكنند و راپورت بدهد (گفته شد صحیح است)

رئیس - آقای مستشار السلطنه (اجازه)

مستشار السلطنه - بنده پیشنهادی داشتم تقدیم كردم

رئیس - آقای نصر الدوله (اجازه)

نصرت الدوله - بنده پیشنهادی داشتم تقدیم كردم

رئیس - سه فقره پیشنهاد شده است دو فقره حاكي است كه راپورت برود بشعبه مربوطه و يك فقره پیشنهاد هم از طرف آقای مستشار السلطنه شده است كه برود بكمسیون تحقیق انتخابات

مستشار السلطنه - توضیحات هم دارم اجازه بفرمائید ؟

رئیس - بفرمائید

مستشار السلطنه - همان طور كه شبهه اول نتوانسته است قضیه را حل كند احتمال هم دارد شعبه جدید نتواند قضیه را حل كند باین ملاحظه بنده پیشنهاد كردم كه بكمسیون انتخاباتی كه از طرف مجلس شورای ملی انتخاب شده است مراجعه شود چون این كمسیون برای همین قبیل مسائل است كه ضمه كمسیون بعضی تحقیقات نموده و اطلاعات بسطیتر و جامع تری بدست بیاورد و قضیه را حل كند و راپورت دهد و تصور میکنم اینطور بهتر باشد

رئیس - مقصود کدام كمسیون تحقیق است

مستشار السلطنه - كمسیون تحقیقی كه از طرف مجلس شورای ملی انتخاب شده نه كمسیون تحقیق انتخابات آذربایجان

رئیس - بسیار خوب

نصرت الدوله - بنده هم توضیح دارم

رئیس - بفرمائید

نصرت الدوله - بنده پیشنهاد كردم بشعبه

مراجعه شود و همانطور كه شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند بشبه مراجعه شود بنده هم موافق هستم و علت ندارد این اعتبارنامه كه در شعبه تكلیف قطعی برای آن معین شده است برای قطعی داده نشده بكمسیون تحقیق مراجعه بشود خوب است مطابق ترتیب عادی بشبه بر گردد كه شعبه تحقیق عمیق بكنند و راپورت دهد و هیچ دلیل ندارد بكمسیون مراجعه شود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - این بیاناتی كه آقای سردار معظم فرمودند بنده مقیدم این بود كه همان بیانات شاهزاده سلیمان میرزا كفايت ميكرد و برای اطلاع ایشان عرض می كنم كه انجمن نظار مطابق قانون عمل كرده است و ایرادی بر او وارد نیست و با آقای مستشار السلطنه موافقم بواسطه اینکه مجلس چند راپورتی كه از شعب آمده بود بعد از آنكه مذاكرات زیادی شد رجوع كرد بكمسیون تحقیق چون مطابق نظامنامه داخلی يك كمسیون تحقیقی برای این قبیل مسائل تعیین شده است مثل اینکه راپورت راجع به آقای صدرائی و دست غیب و دیگران هم بكمسیون رجوع شد بنابراین با آقای مستشار السلطنه موافقم كه بكمسیون تحقیق برود چون در اینجا دوازده نفر هستند و از هر شعبه دو نفر در آن كمسیون عضویت دارند و صحیح و بقاعده رسیدگی كرده و راپورت خواهند داد

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حج شیخ اسدالله - عرضی ندارم

رئیس - آقای امین الشریعه (اجازه)

امین الشریعه - بنده در اصل موضوع عریضی داشتم ولی حالا كه اظهار شد بكمسیون تحقیق مراجعه شود موافق هستم ولی تعمیری كه آقای سردار معظم فرمودند كه سلب حق بكمسیون و كیل میشود بنده حق برای او نمیدانم كه آن حق از او سلب شده باشد

رئیس - آقای نصرت الدوله (اجازه)

نصرت الدوله - بنده میخواستم نقطه نظر خود را در موضوع ارجاع بشبه در مقابل كمسیون تحقیق مدافعه كنم ولی چون منوط برای شد البته هر طور مجلس رای بدهد معارض است

رئیس - يك پیشنهادی از طرف آقای سردار معظم شده است كه مطابق پیشنهاد آقای نصرت الدوله و آقای سلیمان میرزا است با يك مختصر اضافه قرائت میشود بفرمایید

(آقای آقا میرزا ابراهیم خان پیشنهاد)

مژور را بمشور ذیل قرائت نمودند

(بنده پیشنهاد می كنم كه اعتبارنامه بشبه عودت داده شده و شعبه پس از تحقیقات قطعی ثانوی در باب سن پور رضا از منابع موثق راپورت خود را بدهد)

رئیس - اول رای می گیریم بشبه برود یا خیر - اگر معلوم شد كه بایستی بشبه برود آنوقت در قست ثانوی پیشنهاد وآی حدودی كه آقای سردار معظم در پیشنهاد خودشان معین كرده اند رای میگیریم

سردار معظم - تصور می كنم دو نفر پیشنهاد كننده دیگر هم (آقای نصرت الدوله و شاهزاده سلیمان میرزا) با عهده بنده موافقت دارند

رئیس - چیزی نوشته اند - بالفعل رای میگیریم بشبه برود یا نه - آقایانی كه تصویب میکنند بشبه برود قیام نمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شده در قست دوم هم رای میگیریم كه شعبه راجع بسن هم تحقیقات بنماید یا خیر ؟

سردار معظم - گمان می كنم محتاج برای نیست چون بشبه كه مراجعه شد در باب سن هم تحقیقات خواهد نمود

رئیس - بسیار خوب پس مذاكرات كافی است بالفعل مذاكره در راپورت كمسیون بوده است - در جلسه گذشته در كلیات مذاكراتی شد و در كافی بودن مذاكرات رای گرفته شد و كافی بودن مذاكرات را مجلس تصویب كرد ولی رای گرفته نشد كه داخل در شور بشویم و قبل از آنكه داخل در شور مواد بشویم پیشنهادی كه از طرف پانزده نفر از آقایان نمایندگان در جلسه قبل شده بود مجدداً قرائت میشود بعد از آنكه تكلیف آن معین شد داخل در شور مواد میشویم

(گفتند صحیح است)

(آقای آقا میرزا ابراهیم خان پیشنهاد می رود)

را بشرح آتی قرائت نمودند

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی

نظر باینكه تعیین بودجه مملكتی بر روی احتیاجات حتی و ضروری است و پیشنهاد كمسیون بودجه بدون توجه كامل باین مسئله فقط شامل اختیاراتی است كه به وزارتخانه ها داده شده و از این رو نتیجه قطعی و هائیت آنرا كه اطمینان از صحت و لزوم تشكیلات باشد نمی توان قبلاً تشخیص داد - علیهذا امضاء كنندگان ذیل از دادن رای مهم و علی العموم معذور بوده بالضرورة مواد ذیل را بمجلس شورای ملی پیشنهاد می نمایند

ماده اول - مطابق ماده واحده كه مجلس شورای ملی به كمسیون بودجه مأموریت داده كه با مشاركت دولت بودجه های جمع و خرج را تهیه كرده بمجلس شورای ملی پیشنهاد نمایند

كمسیون بودجه و دولت مكلفند كه هر چه زودتر بودجه جامعی كه متناسب با احتیاجات و عایدات مملكتی باشد تهیه و بمجلس شورای ملی تقدیم دارند

ماده دوم - قبل از تقدیم بودجه مذکور باید دولت صورتی كه متضمن شرح كلیه عایدات باشد بضمیمه

است كه در جلسه گذشته بنده اجازه خواسته بودم و در زمینه اصل مطلب مذاكره می كردیم لیكن بواسطه اینکه عده زیادی از آقایان اجازه خواسته بودند نوبت بنده بآخر جلسه افتاد و قتیكه نوبت بنده رسید آقایان كسل و خسته شده بودند و رای بكافی بودن مذاكرات داده شد

نصرت الدوله - از این حیث نبود

طباطبائی - بلی این يك عادت است كه غالباً اینطور پیش می آید البته وظیفه حضرت والا این است كه اینطور بفرمائید ولی طول زمان هم تأخیری دارد و البته خستگی می آورد - بهرحال حضور آقایان عرض می كنم كه هرایش بنده در زمینه پیشنهاد است ولی خوشبختانه چون این پیشنهاد در زمینه اصل مطلب است بنده میتوانم يك قسمت از آنچه را كه در نظر داشته ام و یادداشت نموده ام عرض كنم و از مابقی هرایش خودم صرف نظر خواهم نمود نظریه بنده شاید بكمسوری با آنچه از طرف سایر مخالفین اظهار شد يك کمی تفاوت داشته باشد چون آقایان در زمینه مفصل و اساسی تری وارد شدند ولی بنده می خواهم مثل اینکه در يك اطاق خصوصی نه مثل اینکه در مجلس علنی هستیم عرایض خود را عرض كرده باشم و شاید اغلب آقایان مخالفین هم سبب مخالفتشان همین مطلب باشد مقدمتا عرض می كنم كه يك قسمت از مذاكرات جلسات سابقه در این زمینه بود كه این لایحه بودجه است یا نه و بالاخره آقای وزیر مالیه فرمودند (همین فرمایشاتشان درست در نظر من نیست ولی مفهوم عبارت این بود كه فرمودند) دو بودجه داریم یکی بودجه جمع یکی بودجه خرج و ما حالا دو بودجه خرج حرف میزنیم - بنده در اینجا هر چه تقصیر كردم كه يك سندی پیدا كنم كه بنده را قانع كند نیاقتم بودجه دوتا است یکی بودجه جمع یکی بودجه خرج هیچ همچو سندی بدست بنده نیامد بلکه دیدم قضیه به هكس این است

البته این كلمات و اصطلاحات چیزهایی است كه ما از دیگران اقتضاد کرده ایم و از چیزهایی كه خودمان ایجاد کرده باشیم نیست وقتی بخواهیم این كلمات را تفسیر كنیم مجبوریم بقول دیگران مراجعه كنیم بنده در ضمن مراجعه در سندی بودجه آنچه كه پیدا کرده ام این است كه در بعضی جاها میگویند بودجه كلمه است كه شامل جمع و خرج هر دو میشود و در كتب مختلفه دیده ام كه بموارد مختلفه نوشته شده و توضیح کرده است مثلا در بعضی جاها میگویند بودجه عبارت است از تصویب مجلس شورای ملی و نمایندگان كه این حق از هر جهت تعلق بآنها دارد در جای دیگر می گویند بودجه عبارت است از خرج و دخل و بكمی می گویند بودجه عبارت است از حساب عایدات و مخارج مملكتی در جای دیگر می گویند بودجه عملی است كه بواسطه آن عمل مخارج و دخل سالیانه مملكت پیش بینی و اجازه داده شده است

بنده هفت و هشت ده یادداشت در موضوع معنی بودجه کرده بودم ولی هینقدر كه عرض كردم كافی

بودجه معمولی كنونی بمجلس تقدیم دارد تا بنظر نمایندگان رسیده از آنرو تقریراتی شده دو بودجه قدیم و جدید حاصل میشود مقایسه و بصیرت كامل حاصل نمایند

ماده سیم - در صورتی كه بودجه های جدید تا اول حوت بمجلس تقدیم نشده باشد دولت حق هیچگونه مخارج بدون اطلاع و تصویب مجلس نخواهد داشت

رئیس - (خطاب به آقای سردار معظم مخیر كمسیون بودجه)

عقیده كمسیون در باب تبیل چیست؟

مخیر - كمسیون بودجه باین پیشنهاد موافقت ندارد

رئیس - از آقایان پیشنهاد كنندگان اشخاصی كه می خواهند دفاع بكنند اجازه بخواهند و دفاع كنند

نصرت الدوله - بنده يك سؤال نظامنامه دارم

رئیس - بفرمائید

نصرت الدوله - آیا این پیشنهاد مثل اصلاح تلقی می شود یعنی مشمول ماده شصت و سه نظامنامه داخلی میشود یا خیر؟

رئیس - از بنده می پرسید؟

نصرت الدوله - بلی بلی

رئیس - بعقیده بنده خیر

نصرت الدوله - پس چه صورتی دارد ؟

رئیس - این مسئله سابقه ندارد ولی برای اینکه بمخالفین آزادی تام و تمامی داده شده باشد بعقیده بنده این است كه همین ماده شصت و سه را اجرا كنیم تا يك ماده دیگری برای این قبیل مسائل نوشته شود و اگر هم ماده دیگری بنظر آنان میرسد كه بشود اجرا كرد بفرمائید ولی بنظر بنده ماد دیگری در این خصوص در نظامنامه داخلی نیست

نصرت الدوله - مقصود بنده این بود این پیشنهادی كه شده است چه صورتی دارد ؟ آیا طرح قانونی است یا پیشنهادی است بعنوان اصلاح راپورت كمسیون بودجه ؟ یا ماده الحاقیه است ؟ بنده هر چه جستجو كردم فیر از ماده پنجاه و نه كه راجع بترتیب شورا است ماده دیگری بنظر من نرسید و در آخر آن ماده می نویسد (ولی در هر صورت اصلاحات یا مواد الحاقیه كه در ضمن شور پیشنهاد میشود باید موافق ترتیبات ماده شصت و سه بعمل آید) و در ماده شصت و سه چیزی ندیدم كه با این مطلب متناسب باشد لهذا خواستم مطلب روشن و واضح باشد

رئیس - پیشنهاد كمسیون بودجه پروژه است و این لایحه بهتره كنتر پروژه است اگر بتوانیم يك ماده دیگری پیدا كنیم كه بتوانیم لفظ اصلاح را توسعه بدهیم گمان می كنم از این محظورات خلاصی پیدا كنیم آقای طباطبائی

(اجازه)

طباطبائی - البته خاطر محترم آقایان مسنون

است و بیش از این لازم نیست طول بدهم كه در اصل لغت بودجه انگلیسی بوده و بعد چه شده كاری باین ها نداریم خلاصه اینکه بودجه باصلاح علمای فن هیچوقت بر مخارج تنها و عایدات تنها شامل نمیشود حتی در قانون محاسبات عمومی هم كه از مجلس شورای ملی ایران گذشته وقتی كه بودجه را معنی می كنند می گویند كلمه بودجه شامل عایدات و مخارج هر دو می شود

در قانون محاسبات مصوبه بیست و يكم صفر هزار و سیصد و بیست و نه می گویند (بودجه دولت سندی است كه معاملات دخل و خرج مملكتی برای مدت معینی در آن پیش بینی و تصویب شده باشد) (مدت آنرا سیصد و شصت روز قرار میدهد) و مدت مزبوره را سه ماهه میگویند و عبارت است از يكسال شمسی)

در ماده شانزده می گویند (بودجه مخارج با رعایت تقسیم بصول و مواد پیشنهاد مجلس شورای ملی خواهد شد) و در ماده ۱۷ شرح میدهد بودجه هر وزارتخانه هم ماده بداده از طرف مجلس شورای ملی تصویب میشود) این مطلب صراحتا در قانون محاسبات عمومی كه از تصویب مجلس شورای ملی گذشته فید شده بنابراین ما نمی توانیم آنچه را كه پیشنهاد شده است بعنوان بودجه تلقی كنیم

این از نقطه نظر اصلاح از نقطه نظر حقیقت هم وقتی باصل مطلب مراجعه كنیم و راپورت كمسیون نظری بكنیم يك توافق مشاهده می كنیم كه نمیتوانیم این لایحه را بودجه بگوئیم ممكن است كه بفرمائید اسم آنرا اعتبار می گذاریم مثلا دولت يك اعتباری برای يك مخارجی تقاضا می كند این را هم بنده ملاحظه كردم و در هم تقاضای مخارج هم نیست زیرا اعتبار عبارت از این است كه دولت برای صرف يك مخارجی اعتبار بخواهد ولی از این لایحه چنین چیزی استنباط نمی شود و در ماده اول راپورت می گویند (تشكیلات مملكتی وزارتخانه ها مطابق ضمیمه ذیل اعتبار داده می شود كه در حدود آن اعتبارات بودجه جزء خود را تهیه كرده برای تصویب مجلس شورای ملی توسط وزارت مالیه ارسال دارند) اینجا اعتبار خرج بوزراء نمی دهد فقط بكمسیون اجازه می دهد كه وزراء بر وند مطابق اجازه مجلس در حدود معینه بودجه نوشته و تقدیم مجلس شورای ملی نمایند اعتبار خرج نمی دهد مگر در يك ماده كه برای چند روزی اعتبار داده می شود كه از آن مبلغ خرج كنند و بطور كلی این سی و چند تكرار ذكر می - كند اعتبار نیست فقط يك اجازه است كه بر وند مطابق آن بودجه بنویسند بعقیده بنده اگر ما بخواهیم بودجه درست كنیم باید چند ملاحظه بكنیم - اول ملاحظه عایدات از روی اصول و اساس معین در حدود ممكنه - البته امروز كه جزء جمع در مركز نیست و نمی توانیم بفهمیم از روی تحقیق عایدات مملكت چقدر است باید سعی كنیم كه حتی الامكان تهیه كرده و بدینمیزان عایدات حقیقی مملكت چقدر است

تأیید یا ردی برای رعایت احتیاجات مملکتی و ملاحظه میزان عایدات مخارج حقیقی را بدست بیآوریم با این دو ملاحظه می توانیم بودجه مملکت را تعدیل کنیم در صورتیکه تقریباً این دو ملاحظه هیچ در راپورت کمیسیون بودجه نشده به نی سئو عایدات مهم و ناقص است و چنانچه ملاحظه بفرمائید يك ميزان صحیحی در دست نیست و دیگر مخارج است که يك صورت منظمی که دولت از روی اطمینان به مجلس بدهد نیست فقط همانطور که عرض کردم اجازه داده شده است در يك حدود معینی بروند و بودجه تهیه کنند و به مجلس بیآورند و بشکل هر چه بآدا باد نمی شود يك صورتی نوشت و قبل از اینکه به مجلس شورای ملی آمده باشد و از طرف مجلس جرح و تعدیل بشود استعرا بودجه گذاشت (بعضی گفتند صحیح است) بعقیده بنده وقت در عایدات هم از وقت در مخارج است زیرا اگر ما نسبت به مخارج لایقی کنیم ضرر او متوجه بادارات دولت می شود ولی اگر در عایدات لایقی کنیم هم بدولت خسارت وارد می شود (چون از عایدات دولت کم می شود) و هم مردم که از جیب مردم بیرون می آید واجباتی می شود و با این حال عاید دولت نمی شود البته باید نسبت به عایدات يك ميزان معینی پیدا کنیم نه اینکه بگوئیم ما به عایدات حالا نباید نظری داشته باشیم بعد که وسائل فراهم شد نظریه اتخاذ خواهیم کرد از طرف دیگر چون رعایت فصول و مواد قهرام ممکن نبوده است در این راپورت بشود اشکال دیگری پیش می آید و آن این است که ما اعتبار می دهیم بوزارتخانه ها که شا فلاقتن اجازه دارند بروند بودجه تهیه کنند آنوقت هر وزارتخانه حق دارد بهر طور صلاح می داند بودجه تهیه کند البته این اجازه يك اجازه مطلق نامی است که بوزیر یا یکسانی که وزیر امور نوشتن بودجه می کند مستقیم و غیر مستقیم داده می شود ممکن است این اشغاس از این اجازه سوء استفاده کنند و نظریه کمیسیون بودجه حسن استعمال نشود ممکن است پس از آنکه به مجلس شورای ملی آمده موافق نظر مجلس نباشد شاید آقایان دیگر هم همین نظر را داشته باشند اگر از ابتدا می دانستیم از این اختیارات چه استفاده می شود چه طریق این اعتبارات بهوائر وزارتخانه ها تقسیم می شود و وضع تشکیلات وزارتخانه ها چطور میشود بنده ابدأ مخالفت نمی کردم زیرا بیکسخت از قدرتی که مجلس شورای ملی دارد می تواند در مورد تشکیلات ادارات آن قدرت را اعمال کند و وسیله تصویب بودجه است که می تواند در تشکیلات ادارات تصرفاتی بکند و هر طور صلاح بداند تشکیلات را تصویب کند.

از طرف دیگر تشکیلات بعضی از وزارتخانه ها از تصویب مجلس شورای ملی گذشته است و ممکن است وقتی این رأی را دادیم همان تشکیلاتی را که مجلس شورای ملی تصویب کرده است بهم بزنند و اگر آقای مخبر کمیسیون بودجه در نظرشان باشد در دوره های سابق هم يك اختیاراتی داده ایم و همچوقت تدبیر حسن استعمال بشود و همیشه بطوری استعمال

میشد که مجلس شورای ملی از اختیاراتی که داده بود راضی نمی شد.

نه اینکه بگویم وزراء نخواهند حسن استعمال بکنند بلکه خواهند حسن استعمال کنند ولی نتوانستند با وسائل آن موجود نبود لابد بعد از اینکه مجلس رأی داد يك کمیسیونها و يك ترتیبی که من حالا نمی توانم پیش بینی کنم ایجاد میکنند و اقداماتی می نمایند ولی حتی آنطوریکه بعد از این اختیارات استفاده بشود نخواهد شد چنانچه از حالا می شنوم که فلان اداره یا فلان وزارتخانه را میخواهند منحل کنند و اداره دیگری تأسیس نمایند.

در صورتیکه اگر حقیقت داشته باشد بنده می بینم اداره را که می خواهند منحل کنند وجودش لازم تراز آن اداره است که می خواهند تأسیس نمایند با مثلاً فلاقتن اضافی میدهند یا فلاقتن خرج راه می دهند بهر حال در موقع عمل این اشکال هم برای وزارت خانه ها پیش می آید و عقیده من اینست که وزارتخانه ها تنها نمیتوانند يك بودجه که مجلس شورای ملی را راضی بکند تهیه نمایند و تشکیلات را طوری بکنند که مجلس شنود شود و سبب عمده که بنده را وادار کرده است که با این ترتیب مخالف شوم همین يك مسئله است.

آقایان موافقین بیشتر استدلال میکنند باینکه اگر ما محضاً این صورت رأی بدیم روزی هفت هزار تومان فائده دولت است این مسئله مکرر گفته شده است بنده اول که این حرف را شنیدم واقف باینکه تاثری در بنده نکرد که اگر روزی ۷ هزار تومان دولت ضرر بدیم باید زودتر باین لایحه رأی داد بعد که فکر کردم بدیم سوء تفاهم شده یعنی خواه باین لایحه کمیسیون بودجه رأی بدیم و خواه صبر کنیم تا هیئت دولت با کمیسیون بودجه توافق نظر حاصل بکند و بودجه مرتبی حاضر کند و به مجلس شورای ملی پیشنهاد نمایند آتشدر تفاوت خسارت نمی شود زیرا فرض کنیم الان رأی داریم و این بودجه را تصویب کردیم آیا آقایان وزراء از اینجا تشریف می برند فوراً شروع میکنند روزی ۷ هزار تومان از کجاواز چه اداره و از چه اشخاص کسر خواهد شد ناچار هر وزارتخانه صورتی حاضر میکنند و از روی آن صورت کم و کسر میکنند و همان صورت بودجه است ما هم میگوئیم آن صورتی را که میخواهند تهیه کنند و از روی آن کسر کنند همان صورت را به مجلس شورای ملی بیآورند و اسمش را میگذارند بودجه ما هم رأی بدیم شاید بفرمائید آن چند روزی که مجلس مشغول مذاکره قبول و رد صورت است آن ایام بدولت خسارت وارد می آید این را بنده تصدیق میکنم البته آن چند جلسه که ما باید بشینیم و رأی بدیم ضرر دولت است ولی اگر قدری بعرض بنده توجه بفرمائید ترجیح میدهند باینکه يك مبلغ کم متضرر بشویم و يك رأی بدیم و بعد از آن بجه رأی است تا اینکه يك رأی بدیم ولی تفهیم بجه رأی بدیم و تشکیلات وزارتخانه ها چه خواهد بود و چه اداره حذف میشود کدام اداره اضافه نمیشود در ادارات

مرکزی چه ترتیبی داده خواهد شد در تشکیلات ایالتی و ولایتی چه ترتیبی داده میشود اینها را بفهمیم بهتر است تا اینکه يك مسؤولیتی را قبل از آنکه بدانیم چه چیز است در عهده گرفته باشیم برای اینکه زودتر بودجه را تهیه و تصویب کنیم والا هر چه بنده فکر میکنم این حرف را که اگر ما امروز رأی بدیم هفت هزار تومان ضرر خواهیم داشت و اگر رأی بدیم آن هفت هزار تومان ضرر را نمیدیم و تفهیم و عقیده من اینست که قبل از اینکه يك راهی پیدا کنند باین ترتیب حالیه نتوانند مدتی از ادارات خود کسر کنند اگر هم بفرمایند ما از حالا اعلان میکنیم مبلغی را که مجلس شورای ملی رأی داد خواهیم پرداخت بنده عرض میکنم این کار محتاج تصویب مجلس نیست دولت در باره شهریه ها و سایر مخارج هر طور تا به حال رفتار کرده است حالا هم همانطور عمل کند و آن سی و چهار روزی را که برای تهیه بودجه لازم دارند يك طوری بکنند بعد که بودجه را تهیه کردند و به مجلس پیشنهاد کردند آقایان و کلاه هم صبح جلسه میکنند هم عصر و بودجه را با عجله تصویب میکنند که از این جهت هم خسارتی بدولت متوجه نشود يك نکته دیگر هم می خواهم عرض کنم دیدام آقای وزیر فرمودند با آقای مخبر گویا آقای وزیر فرمودند که ما در پیشنهادی که کردیم نظری به عایدات نداشته ایم بنده راپورت کمیسیون بودجه نگاه کردم دریم هر قدر که آن يك شرحی مینویسد که ما نوزده ملیون عایدات را باین ترتیب مطابق موادی که بعد خواهد آمد بادارات تقسیم میکنیم در اینصورت نظر به عایدات بوده است که میزان گرفته شده منتهی بطور کامل منتج نبوده است در صورتی که آن مبرانی که در این راپورت نوشته شده است با آن مبرانی که در نظر آقایان و کلاه هست تفاوت فاحش دارد مخصوصاً در آن جلسه مذاکرات زیادی در اینخصوص شد و می شنیدم که میفرمودید در اینصورت که ما نگاه میکنیم می بینیم نصف آنچه از اولیات دریافت شده در اینصورت نیست و همین طور آقای شیخ المرافقین زاده راجع بازاندران فرمودند و همچنین آقای مؤمن - السلطنه و آقای ملک الشعراء هر کدام راجع بولایات خودشان شرحی فرمودند پس در صورتیکه عایدات با این مبرانی که اینجا شرح داده شده است و نوشته اند عایدات ما نوزده ملیون است اگر آنقدر اختلاف داشته باشد و صدی سی یا صدی چهار تفاوت داشته باشد آیا چه صورتی خواهد داشت؟ همین که در راپورت کمیسیون بودجه نوشته شده در واقع بگونه تصدیقی است که ما میگوئیم عایدات ما همین است در صورتیکه ما این عایدات حقیقی و این صورت مناقات زیاد هست و بالاخره تصور می کنم تفاوت نظر موافقین و مخالفین اینست.

اولاً در ضمن مذاکرات صحبت میشود از شرایط و صرف نشدن هرايد در محل خود و طرفین استدلال باین صحبتها میکنند در صورتیکه بعقیده بنده هر دو در آن مسائل موافق هستند و بعقیده بنده نه موافقت باین لایحه مربوط بآن مسائل است و نه

مخالفت آن معذالك باین چیزها استدلال میکنند در صورتیکه هر دو طرف جدیت دارند و میخواهند مملکت دارای يك بودجه صحیح باشد و خیلی عجله دارند که يك سروصورتی ببودجه داده شود فقط در شکل کار اختلاف است يك مثل عوامانه میزنم مثلاً اگر ما بخواهیم يك خانه و ای خود بسازیم و يك مقدار پولی برای این کار تهیه کرده باشیم وقتی که مهندس یا معمار می آوریم اول باو میگوئیم ما فلاقتن پول داریم و احتیاجات خود را باو میگوئیم آن مهندس یا معمار می رود يك نقشه حاضر میکند آن وقت ما باو اجازه میدیم یا نمی دهیم ولی عقیده مخالفین این است که می گویند ما عجلاناً به معمار اجازه میدیم برود شروع بکار کند و مشغول خرج کردن باشد و در ضمن عمل يك نقشه هم تهیه کند که این پول چطور خرج شود در صورتیکه وقتی آن معمار بعضی جاها را خراب کرد و بناهای جدیدی شروع کرد آنوقت شما طرح و نقشه آن معمار را نه پسندید البته

يك اشکالاتی پیش می آید.

پس عقیده بنده در اصلاحات بودجه هم بنظر است و باید اول مانقشه و طرح آنرا در نظر بگیریم بعد شروع بکار و خرج کردن کنیم این طبیعی تر و بهتر است در ضمن صحبت های جلسه گذشته آقای مخبر فرمودند که مجلس شورای ملی باید اعتماد کند

رئیس - خاطر نشان میکنم که بایستی بطور اختصار حرف بزنید و از لایحه خودتان دفاع بفرمائید شما میخواهید در ضمن دفاع از پیشنهاد خودتان در کلیات مسئله مذاکره بفرمائید این ترتیب نباشد ماده شصت و سه را قرائت می کنند ملاحظه فرمائید.

طباطبائی - خودتان فرمودید ماده شصت و سه درست شامل این پیشنهاد نمیشود بطور استثناء اجازه فرمودید در این باب حرف زده شود.

رئیس - من باب آزادی عرض کردم...

طباطبائی - من هم میدانم ولی

رئیس - بگذارید بنده مطلب خود را ادا کنم بنده عرض کردم برای اینکه شما آزادی داشته باشید ماده شصت و سه را در باره شما اجرامی کنم ولی اگر بخواهیم این ماده را اجرا نکنیم چنانچه هیچ نمیتوانید حرف بزنید اما اگر میخواهید از ماده شصت و سه استفاده کنید میتوانید بطور اختصار از لایحه خودتان دفاع کنید و الا پس از ختم مذاکره در کلیات دیگر نمی شود مجدداً در کلیات مذاکره کرد.

طباطبائی - صحیح است ولی بنده وقتی بخواهم به پیشنهاد استدلال کنم مجبورم رجوع باصل مسئله کنم

رئیس - ماده شصت و سه قرائت می کنند ملاحظه فرمائید (بعضیون ذیل قرائت شد)

ساده شصت و سوم اصلاحاتی که در ضمن خود ثانوی پیشنهاد میشود در صورتیکه از طرف کمیسیون ارجاع آن خواسته نشود در صورتیکه بطور اختصار آنرا توضیح و استدلال می کنند و فقط اعضای کمیسیون حق جواب دارند پس از آن مجلس در باب قبول توجه یا عدم توجه رأی میدهد و در صورت قبول توجه آن اصلاح بکمیسیون فرستاده می شود در باره این قبیل اصلاحات نمیتوان همان روزی که پیشنهاد شده است رأی داد.

رئیس - چون مسئله بودجه مسئله خیلی مهمی است و بموجب این ماده نمی توان مفضل مذاکره نمود بنده طریقی نشان میدهم و آن این است که پیشنهاد کنید جلسه تعطیل شود و در خارج بین خودتان مذاکره کنید تا شاید يك ترتیبی پیدا شود که بتوان در اینخصوص مشروحاتی مذاکره نمود ولی مادامی که يك ماده بدست من نمیدد که آنرا اجرا کنم باید ماده شصت و سه را اجرا کنم و ماده شصت و سه میگوید باید بطور اختصار مذاکره نمود بنابراین اگر لازم میدانید پیشنهاد کنید جلسه ۲۰ دقیقه تعطیل شود شاید راهی برای این مسئله پیدا شود.

طباطبائی - بنده اگر بخواهم باختصار عرض کنم فقط باید عرض کنم یا آقای مخبر آن پیشنهاد را قبول کنند یا اینکه اکثریت مجلس رأی بدند والا چیز دیگری نمیتوانم عرض کنم حالا که لازم نیست بنده عرض بکنم سایر آقایان صحبت بفرمایند.

رئیس - آقای سلیمان میرزا اجازه

سلیمان میرزا - همانطور که فرمودید بنده پیشنهاد میکنم که مجلس ۲۰ دقیقه تعطیل شود و مذاکراتی در خارج بفرمایند بعد اگر راه حلی پیدا شد مجدداً مذاکره بفرمایند و این هم يك چیز فوق العاده نیست و بالاخره باید تنفس بشود و در ضمن يك فرجه برای مخالفین و صحبت کنندگان پیدا خواهد شد.

سردار معظم - اگر آقایان موافق باشند باینکه ۲۰ دقیقه تنفس شود برای اینکه فرجه برای مذاکرات پیدا شود بنده حرفی ندارم.

ولی بنده عرض می کنم باین ۲۰ دقیقه تنفس نتیجه حاصل نمیشود کمیسیون بودجه که مرکب از هیجده نفر نماینده است بعد از مطالعات زیاد تصمیمی اتخاذ کرده و هر پیشنهادی مغایر باین راپورت باشد آنرا رد می کند بنابراین ۲۰ دقیقه تنفس نتیجه ندارد و همانطور که دلائل ما مخالفین را قانع نمیکند همانطور هم متأسفانه دلائلی که ما را قانع کند از طرف مخالفین اقامه نشده است پس در ۲۰ دقیقه تنفس هم قنایان و سبکار کشیده شده و جای خوردن خواهد شد و باز بر میگردیم با عقاید اولیه پس اگر نقطه نظر سبکار و قنایان کشیدن و جای خوردن باشد بنده موافقم و الا مخالفم.

رئیس - مقصود بنده این نیست که کمیسیون بودجه قانع بشود یا نشود.

فرض اینست که تکلیف بنده که ناظر مذاکرات آقایان هستم معلوم شود ممکن است در ظرف ۲۰ دقیقه یا نیم ساعت يك ترتیبی اتخاذ فرمایند به بنده ارائه دهند و بنده آنرا اجرا کنم تا آنوقت آقای طباطبائی هم بتوانند یکساعت حرف بزنند و مقصود ایشان هم بعمل آمده باشد اگر در ظرف ۲۰ دقیقه هم نتوانند ترتیبی بدهند ممکن است بعداً برای جلسه دیگر و از جزو دستور امشب خارج گردد و دستور را تغییر دهیم و عجلاناً با تنفس مخالفی هست یا خیر ؟

(بعضی گفتند خیر)

سردار معظم - اساساً اختیار تنفس با حضرت تعالی است.

(در اینوقت جلسه برای تنفس تعطیل

و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - چون بالاخره طریقی برای ترتیب مذاکرات پیدا نشد همانطریقی را که در یکساعت قبل اینجا اتخاذ شده بود و مذاکره شد به آن ترتیب مذاکره خواهد شد و آقایان قبلاً اعلام میکنم که مطابق ماده شصت و سه باید بطور اختصار مطلب را بیان بفرمایند آقای سلیمان میرزا اجازه

سلیمان میرزا - البته آقای رئیس اجازه میفرمایند سبب اینکه يك عده از رفقای بنده کنایه دارند عرض کنم.

جهت اینست که در بیرون مشغول مذاکره هستند که شاید راه حلی برای این مطلب پیدا کنند و چونکه باید مذاکره شود ما شرفیاب شدیم که عده بسیاری مذاکره کافی باشد تا آقایان مطلب را ختم کنند و نظر باینکه مطابق ماده ۶۳ نظامنامه بطور اختصار باید صحبت کرد بنابراین بنده حتی الامکان سعی می کنم عرایض خود را بطور اختصار عرض کنم و اگر فراموش نشده باشد در جلسه گذشته بنده مخافتم را مبتنی بر قانون اساسی کردم زیرا مصمم هستم قانون اساسی را بگوش عامه قدری آشنا کنم و علت مخالفت بنده اینست که نمی توان گشت راپورت کمیسیون بودجه مطابق مواد قانون اساسی است و قانون اساسی باید حفظ شود اگر ما که اینجا هستیم درست مطابق قانون اساسی رفتار کرده و سامعه نکرده بودیم (که چه بنده نسبت سامعه بر رفقای خود نمی توانم بدیم) البته این اختلافات امروز پیدا نمیشد این که آقای مخبر فرمودند باید با قلدهای درشت بوزراء اعتبار بسدیم بنده نمی توانم قبول کنم زیرا چه در موقع ماده واحده و چه در سایر مواقع مکرر دیده ایم که حفظ حقوق اشخاص نمی شود چرا نمی شود ؟ بجهت اینکه ما در مملکت قانون استخدام نداریم و عدايه یعنی قوه قضائیه مملکت که مثل مجلس شورایی و مثل قوه مجریه يك قوه است و در مملکت این سه قوه باید کار بکنند و مطابق چند ماده از قانون اساسی که بنظر آقایان رسید رؤسای مجاری را نمی توان تغییر داد و مدعی العموم را نمی توان تغییر داد.

معناه امروز در مملکت ما بدون ملاحظه و رعایت قانون اساسی وزیر هر کسی را میخواهد موافق میل خودش تغییر و تبدیل میدهد و بهیچوجه رؤسای